

ایرانیان بکجا منتهی شود امروز نمیتوان حکم قطعی نمود، ولی از قرائن سیاسیات و سوق معاهدات آنان همین قدر میتوان استخراج کرد که متعدها ایران را بقسمی در فشار نگاه خواهند داشت، که هماره در امور داخله خود وضعی دچار اشکالات مادی که بهر بیخ وجه به معاملات خارجیّه خویش نتواند پرداخت

مقتضیات پلتنیکی ژاپون و مقام و موقع آن با اینکه تباين کلی با ایران دارد، مع ذلك اگر نتایج امروزی ژاپون را اروپائیان دانسته حتی المقدور نمیگذارند باین زودی ملت ژاپونیه بدین مقامات عالیه ارتقاء جوید، بعد از جنگ ژاپون با چین اندک بهوش آمده ملتفت بعضی خطاهای پلتنیکی شده سریعاً اقدامات چند در جلوگیری نمودند ولی چون تیر ازشت رها شده بود، تدابیرشان بی نتیجه ماند، (گرنگویم نتیجه بعکس بخشید) جنگ ژاپون با روس تمام اقوام زرد مورا بخود آورده معناً بپاره جوئی مجبور ساخته، اول اقدامی که نمودند اتحاد در صلح و سلم عمومی بود، و بدان قوت اتحاد نا درجه ژاپون را از چیدن ثمرات فتح باز داشتند از آن زمان تا امروز تمام طبقات اروپا از طاقت مستعمرات و منافع آسیائی خویش رسیده اتحاد ملتی و دولتی را سرمشق ساخته مناقشات پلتنیکی و ضدیتهای تجارتی را تا جائیکه راجع با آسیا بود بیکسو نهاده اند، در خدمت قلیل تمام دول متناقض الحبال متضاد المسلك مانند زنجیر بیکدیگر پیوسته و می پیوندند، و این معنی که از یکدال باین طرف هیچان غریبی در ایران نمودار نموده پیش از پیش کسب اهمیت کرده آنها را به عقائد خود راسخ ساخته است، و این اهمیت بواسطه مرکزیت ایران در آسیا و موقع سیاسی آن است، چه نیکو دانسته اند اگر ایران بر حسب اقتضای زمان ترقی نماید، جمیع آسیا را بانوار تمدن منور تواند نمود، آنوقت ممکن است از یکطرف ژاپون و از طرف دیگر ایران میدان را بر اروپائیان در آسیا تنگ نمایند و مجال درنگ برای آنها باقی نگذارند درین جا خالی از مناسبت نمیداند هرگاه شمه از اهمیت موقع ایران بطریق خیلی ساده بیان نمایم

(۱) ایران بواسطه اعتدال آب و هوا مردمانش با رشد و قوی جنبه با داکوت و هوش طبیعی اند، در چین خاک و مردم ترقیات مقتضیه وقت سریع الحصول است (۲) ایران از زمان باستان در ممالک شرقی چندین هزار سال است اهالیش به تمدن و علوطی خلوگر و تمام جرائم تمدنی در آنها موجود است، بواسطه این استعداد طبیعی و موجودگی اسباب مدارجیکه ژاپون

و مثل امثال آن در میدان ترقی صرفه ده سال طی نموده ایران دو سال طی تواند نمود

(۳) موقع جغرافیائی ایران بقدری اهم است که با اندک مراقبات دفاعیه خود را از حمله غنیم خارجی حفظ تواند نمود، و بواسطه همین اهمیت موقع جغرافیائی آن بود که ماکمی خاک و قات نفوس ایرانیان را هرگز خوف از غنیم خارجی نبوده و هماره اهالی آن خطه حمله بر خارجه داشته (یعنی شکاری بودند نه شکار)

(۴) مرکز ادبیات جمیع آسیا غیر از شرق الشرق ایران شناخته شده و امروز بالغ بر چهار صد ملیون نفوس الف باور رسم الخطشان مأخوذ از ایران، و ادبیاتشان تا درجه تابع آن لسان است، و این نکته در عوالم سیاست کمال اهمیت را دارد و بمجرد تغییرات ادبی، و تبدیلات سیاسی این ممکن تغییر و تبدیل در ادبیات و سیاسیات جهل ملیون نفوس ممکن است پیدا شود، ازین است که اروپائیان در هر نقطه قدم میگذارند اول در اشاعه زبان و ادبیات خود سعی نموده تا بدان وسیله بتوانند ازاعه سیاسیات خود را نمایند،

ادبیات منتهی درجه مربوطیت را سیاسیات دارد اگر چه این نکته را از قدیم حکمای آسیا قائل بوده ولی نتیجه از آن بعد از مسلمانان اروپائیان گرفته اند (۵) ثروت طبیعی و معدنی و جنگلی ایران باندازه است که در قلیل زمان میتواند رقع بیشتر احتیاجاتیکه اسباب عمده نفوذ اجانب است از خود به نماید و این بالا صالیه یکی از نکات مهمه سیاسیه بشمار است

(۶) همینکه در نقشه کره بسیط بغور نظر اندازیم خواهیم دید که ممالک عمده مسلمان نشین مربوط و متصل بیکدیگر است، و میتوان گفت سیصد ملیون مسلمانان مانند سلسله پیوسته بهم اند و بواسطه اجساد و زیادتی که از ملل و دول فاتح بآنها رسیده، همه از دور و نزدیک گوشهها را به ممالک اسلامیه داده، و منتظر اند که يك آواز فرح انگیزی از يك از نواحی اسلام بگوش شان رسیده توجه خاطر را بدان جانب معطوف دارند، این بود وقتی که امپراطور معظم ژاپون اعلان کافرانس تحقیقات مذهبی داد، جمیع مسلمانان عالم را بجانب خود جلب نمود بدون اینکه خواهش قبولیت دین اسلام را ظاهر به نماید

ظاهر است ممالک این توجه اسلامیان به ترقیات ژاپون بود نه مسلمانان آنها چه مسلمان در عالم بسیار بود و من حیث العدد مسلمانان کمی نداشتند پس اگر ایران موقع ژاپون را حاصل نماید بلا اختلاف مرکز روحانیت تمام اسلامیان واقع شده، صدای او

سیصد میلیون نفوس اسلامی بصد آمدن و بحرکت وی متحرک خواهند شد، درین موقع همسایگان ایران که هر يك دارای مایهونها رعایای اسلامی اند از خوف انقلابات داخلی خود پیرامون مخالفت با ایران نخواهند گشت، و بر عکس هر گاه ایران لباس مخالفت پوشد و بدان ممالک حمله ور گردد، انقلابات داخلی پیشتر آن دولت را از پای خواهد در آورد، و این نکته برای ایران خیلی دارای اهمیت است و ایرانیان نباید از نظر دقت دور دارند

عثمانی که چنانچه شاید و باید از این نکته فائده نتوانست حاصل نماید بواسطه عدم ترقی خود و بی اعتدالی که در ممالک وی مشهود است بود هر مسلمان فدائی عثمانی که از شرق و غرب عالم حرکت کرد همین که قدم در خاک عثمانی نهاد و آن بی اعتدالها را دید قلاباً از او متنفر می شود، و هزارها نفوس دیگر را هم منفور از دولت مشارالها می سازد و همین نکته بیشتر توجه عامه را از وی سرد نموده چه مراتب معروضه ناشی از جوش ترقی طلبی است، با این بی اعتدالهای عثمانی در جنگ یونان و فتح (تسالی) جوش ترقی طلبی مسلمانان را البته ملاحظه نموده و توجه آنها را به سلطنت عثمانی درک نمودید، هر قدر عثمانیانرا جوش علو طلبی کم شد جوشتر مسلمانان بطرف او کم گردید، هر گاه این موقع را عثمانی تلفت شده بود در قبیل زمان مقامی را حاصل می نمود فوق منامات اولیه خود

پس از این بیانات میخواهم مختصر عقیده خود را در صاف نمودن جاده ترقیات ایران تقدیم نمایم، ولی قبل از آن خوب است شمه از تشبیهات اروپائیان در جلوگیری از ترقیات آتیه ایران بیان نمایم

(۱) تا جایکه بتوانند در برهم زدن مشروطیت سلطنت ایران اقدام خواهند کرد، و درین راه از بذل هیچ اقدامی فرو گذار نخواهند نمود، چه هیچ سدی در جلو خیالات آنها مانند اصول مشروطیت نیست، و هیچ مؤبدی برای پیشرفت مقاصد آنان مثل سلطنت مستبدانه مستقله نمی باشد

معلوم است که چون اصول مشروطیت در ایران محکم نشده بامید بر هم زدن آن از بذل مال و جان دریغ نخواهند نمود، و در اختلاف انداختن بین ملت و در انداختن انقلاب در محکمت و تهییج رعایای اجنبیه غیر مسامحه و مشوش و مردود داشتن شخص پادشاه و همدست نمودن رجال دولت و رؤسای روحانی ملت با خود باز نخواهند آمد

(۲) در انقلابات سرحدی و وارد نمودن خساره

مالی بر رعایای خود، و خواستن ناوان بی دربی و خرج ترانههای فوق العاده برای دولت و ازدیاد نفوذ تجارنی خود سعی و اقدام خواهند نمود

(۳) در پیشرفت تجارت و جلب امتیازات طلبیه خاصه بذریعه بنکهای خود اقدام خواهند کرد، صدمه که ژاپنیان از بنکهای اجنبی دیده و تا هنوز می بینند نه باندازه است که درین موقع بتوان ذکر نمود، امروز باندازه ملت ژاپنی (با آتمه هوشیاری) مبتلای بخسارات بنکی ایشانند که نزدیک است سر رشته ثروت خود را از کف بدهند و هر آن بنکهای اجنبی میتوانند اوضاع مالیه ژاپون را زیر و بالا کنند و تجار ژاپونی را ورشکست کنند بنکهای اجنبی را تا کنون آن درجه در ایران رسوخ و نفوذ پیدا نشده ولی می بینم که رفته رفته ایران را مثل ژاپون در مالیه محتاج بخود نمایند و جمیع منابع ثروت ایران را بکف گیرند

امروز چیزی که خیلی دخیل در ترقیات آینده ایران شناخته شده این است که بانها اشاره می شود

(۱) تهییج و جوش علو طلبی ملت خواه بذریعه تیغورها و تماشاخانههای ملی باشد و یا بذریعه انجمنها و تقریرهای مؤثره مقردین، باید دانشمندان سعی نمایند در تحجیم ترقیات ایام سالفة ایران، و در مقابل آن اوضاع نکبت و ذات حالیه خود شانرا هم مجسم نموده، در نظرها جلوه دهند، این است اساس جمیع ترقیات امروزه حز این دو اصول ملون ملت را بجوش نیارد، و حب وطن را در قلوب جای ندهد، و عصیت قومی در آحاد و افراد ملت پیدا نشود، ملتی که دارای این صفات نباشد اگر جیم آحادش دارای منتهای درجه علم و سیاست و دانش و کیاست شوند بحریت مشروع و استقلال قومی نائل نخواهند گردید

(۲) دامیان ایران راست است که آحاد و افراد را بمنافع آحاد و حقوق وطنی آگاه نمایند، چه استقلال قومی فرع عصیت ملی است و بقسمی در نظر ملت مجسم کنند که مملکت را خانه خود دانند و سلطنت را مال خویش بندارند و جمیع شرف و سعادت و ذلت و نکبت این خاک را راجع بخویش شناسند و این نمی شود مگر اینکه جمیع ممالک عالیه و شئونات ملیه و دولیه را در میان آحاد مشاع و موقوف بیکدرجه علمی و لیاقت کسبی قرار دهند بزرگی و بزرگی را در سایه خدمات وطنیه حلوه گر سازند

(۳) ایران باید بعضی تباینات مذهبی که از تخصیصات يك شعبه شناخته می شود از بین آحاد ملت مرتفع دارد، و قلوب مسلمانان را بر سیل عموم

بجانب خود جلب نماید، و خویشتن را حافظ کلیه قوانین اسلام جلوه دهد، تا بتواند نقطه توجه سبب ملیدون نفوس مسلمان دور و نزدیک قرار گیرد، درین صورت مجبورا احکامیکه منافی بمقتضیات زمان است باید تغییر دهد، مشروط بر اینکه تغییرات را به هیئت روحانین واگذار نماید، که داعی سلب عقیدت عامه نگردد، ریاست روحانی در عوالم سیاست و بلتیک خیلی اهم است هر سلطنت که دارای این دو ریاست باشد مقابله با چهار قوت معادل خود تواند نمود، چندین قرن است که تمام سلاطین اروپا سعی اند که قوت (باب) را بشکنند هنوز با آنهمه اقدامات مقصود المرام نگردیده اند

(۴) ایرانیان باید بیشتر مراوده با اقوامی پیدا نمایند که در علم و تدبیر و سیاست با خودشان مساوی و یا کتر باشند، این يك کلیه است که هرگز خلاف نمی شود، یعنی جامل از عالم فائده نمیتواند حاصل کرد، مخالطه ایرانیان با اقوام دانا تر از خودشان نوعاً مضر است بحال آنها، ولو شخصاً فائده به بخشد، این است که اروپاییها کلیه در آسیا و افریقا منتشراند، روابط ایرانیها بیشتر باید با دول و ملل آسیائی باشد، ایران را لازم است با افغانستان و بخارا و سمرقند و شبروخ کوجک قرب و حوار خرد روابط نامه و اتحاد معنوی تجارتا و سیاستاً حاصل نماید، و از آنها منافع تجارقی و سیاسی بر گیرد روابط سیاسی و تجارقی ایران با چین و ژاپون و سیام نافع تر است از مالک اروپا

(۵) ایران تا زمانیکه بیرو بلتیک اولیة خود باشد ترقیش مشکل است باید، با کمال جد و جهد ملت با دولت متحد شده، خوف و رعب را از دلها دور کرده، در حفظ حقوق خویش جسارت مشروع حاصل نموده بر اروپاییان مسلح دارند که حقوق خود را کاملاً شناخته، و در حفظ آن همه قسم ایستاده اند، تا زمانیکه ایران دم از قناعت زند دیگران از تجاوز ناو صرف نظر نخواهند نمود، ایران ناچار برای آسایش خویش، خود را باید متجاوز قلم دهد تا دیگران از تجاوز اودست بردارند، البته باید دانست که متجاوز جلوه نمودن این قدرها سهل و آسان نیست، لوازم تجاوز میخواهد، خزینه میخواهد، انتظام ملکی میخواهد، فئون متجاوز میخواهد، بالاخره همت و جوان مردی و گذشتن از خود میخواهد، اتحاد حقیقی ملت و دولت می خواهد

(۶) ایرانی اگر نخواهد جمیع کارهای خود را از روی يك قاعده صحیح بر حسب مقتضای زمان خود بخود مرتب و منظم نماید دشوار است، چه امروز در

ایران مردمان عالم کم است، و اگر کم یافت شوند دارای تجربه نیستند، وزارت خانه های ایران که بایه جمیع ترقیات ملت و دولت شناخته می شوند، بدون معاون با علم و تجربه خارجی از صورت اولیه وضع مقتضیه بازگشت نخواهد نمود، و هرگاه باین امید باشند که خود بخود وزرا تجربه آموخته ادارات دولتی را بر حسب اقتضای وقت مرتب نمایند، بلا شبهه هرگاه ایران فرصت هم بیابد کاریک روز را بکمال خواهد نمود امروز باید در جمیع ادارات و وزارت های ایران معاونین با علم و تجربه از خارجه گذارده شود و اصولی در کار گذارند که جوانان تربیت یافته ایرانی زبردست آنها تجربه بیاموزند، تا پس از چند سال مستقی از وجود خارجه شوند

(۷) ژاپون معلم خود را امریکا قرار داده، ایران میتواند معلمین خود را ژاپونی و امریکائی قرار دهد، تا مصداق بمضار بزرگ بلتیک بشود، اگر ایران خود را مستقی از حصول تجربه اجانب شناسد، یعنی معلم خارجی را بخود قبول نه نماید سرعت درجات عالیة ترقی را طی نتواند نمود، و اگر هم غیر از مسلک ژاپون مسلکی اختیار نماید چنانچه در این یکصد سال از رابطه اروپاییان جز زیان حاصل نه نموده باز هم حاصل نخواهد نمود

(۸) ایرانیان باید دانشمندان خود را که در خارجه منتشر شده بهر وسیله هست در داخله جمع نمایند، و کارهای ملکی را مردمان کاردان وا گذارند، و کلای شوری را از مردمان دانا انتخاب کنند، هر قدر مردمان دانا تر درین مرکز جمع شوند رعب اجانب بیشتر و پیشرفت کار بهتر خواهد گردید

(۹) همه ساله باید جماعتی از جوانان با استعداد خود را برای جلب تجربه و کسب علوم نافع با امریکا و ژاپون بفرستند، بهترین مراکز تعلیم و حصول تجربه برای ایران امروزه امریکا و ژاپون است، و همین قسم باید جلب اساتید صناعت و معلمین فنون ازین دو مرکز برای مدارس خود به نمایند تعلیم ایران اعم از اجباری باید برشالوده ژاپون که خیلی سریع الترقی و عالی است گذارده شود

(۱۰) بزرگترین سائق ترقی برای ایران هاما قائم داشتن يك اداره بحری است، امروز دولتی که قوای بحریه ندارد در شمار دول متمدنه محسوب نمی شود

(۱۱) مشق اجباری برای ایران در منتهای درجه ضرورت است، مشروط بر اینکه بذریعه معلمین ما هر و اصول جدید باشد، هرگاه ایران ملاحظاتی مذکوره را از نظر دقت دور ندارد، آنچه ژاپون را در چهل سال حاصل آمد، او در پست سال تواند یافت

انتباه

در داخل مملکت اسویجره از اهالی ( آئینبرل )  
 بقدر ششصد نفر زن عریضه بحکومت محلی داده و  
 ایام عید و رفع بعض از آنها را التماس نموده اند  
 چون مردان شان روز های عید رفته در میخانه  
 و سفاهنخانه ها نشسته و مست شده و بر میگرددند  
 و باید مستی خودشان اهل و عیال را زحمت میرساند  
 لهذا آن بیچاره گان نیز جز ازین تدبیر چاره دیگری ندیده  
 و رفع زیادی اعیاد روزهای بیکاری را طالب شده اند  
 ( خراشم گر لب زحمت به حق الحق معذورم )  
 ( چرا ؟ اغیار کم فرصت نمک باشید بر زخم )  
 بلی ، بیکاری سر آمده همه بدیهاست ، بیکاری  
 غیرت شریه را صدمه میرساند ، بیکاری شرم را مبدل  
 بشرارت میکند غیر از تمایل بشهوات نفسانی چیزی  
 حاصل نمیباشد ، بیکاری عوض انجمن داد خواهی  
 بزم ( ده بازی ) بنا میباشد ، حیا را می برد ، حیثیت  
 زورگی و کوچکی را خلال میرساند ، بیکاری در هر  
 مملکت بوده باشد خون ملت را آب میکند ، افکار دولت  
 را بیخ و بنوش متماثل میدارد : چند دقیقه نمانده  
 بود که اگر سقوط مسبو ( دلقاسه ) نمی شد آواز  
 جان شکار نویهای ( کروپ ) و ( ما کسم ) از اردو  
 های آنان و فرانس زمین را بشکافتند ، احوال را در  
 هم نموده و لرزاند ،

در آن گیر و دار امیر مملکت بیکار مراکو یکدسته  
 خواننده مصری به مبلغ پانصد لیرا اجرت سالی برای  
 خوشگذرانی خود فرمان داد !! نتیجه آنگونه عیش  
 این جور نش است که میخورد ،

بلی در مملکت بیکار از قوم بی عار و بی کس و پناه  
 کش ، درویش ، کل مولا ، شاهر ، هرزه گو ، رمال ،  
 داخل سب ، مفت خور ، دزد ، جانی ، دانش  
 مشق ، خراج گیرنده ، مردم ترسیده ، خواننده ،  
 نوازنده و بازیگر ، روضه خوان بی سواد ، انعام  
 اولیای عظام ، از یکطرف در بزم تفریح داری باک  
 ( یا ای عباد الله ) در عنان عرش در طرف دیگر  
 دویه او با کمال خواری در فرش خانه و لایه در بنها  
 و اولادش در دهنر دلها پریشان و سینه ها سوزان میگردد  
 سرباز مملکت بیکار تریاک میخورد ، بنگ میکند

اگر موجب بگیرند سران فوج در جیب و ایشانرا  
 بحالی و مزدوری مجبور میدارد ، حدود مملکت بیکار  
 هیچگاه خالی از اغیار نمیشود ، حقوق مملکت بیکار  
 در دوائر رسمی همسایه طونخوار ضایع میگردد ،  
 نمایندگان مملکت بیکار ناچار و همه وقت در گیرودار  
 میباشد :

درخواطر دارم - سال قبل در یکی از مباحثات  
 ولایت سوریه زنی را که در تحت حاکم روس بود  
 ( نه نبه ) یکتفر از بدویان اصراب یوسید ، و موجب  
 گفتگوی گوناگون در میان قونسلگری و ولایت و  
 سپس به باغالی وسفارت گردید ، و در آخر آن عمل را  
 که در قانون عثمانی غیر از ( قباحت ) چیزی نبود در  
 محاکم عدلیه جبراً جرم جنحه نویسانده و با همان قرار  
 محاکمه نموده و فاعل را چند ماه به زندان انداختند  
 بلی ، چون ایشان در مملکت خود بی علم و بیکار  
 نبودند توپ و توپخانه سرتیب و سرباز ، همت و  
 غیرت داشتند که این تخم را کاشتند

( از جنگ مانجوری صرف نظر نمائید ) اما بقدر  
 صد نفر از اهالی مملکت بیکار طارا در حضور سلطان  
 کربلا قشون عثمانی تیر باران مینمایند و بخاک سیاه  
 مینشانند خون پاکشان در روی زمین باطناً نقش آیه  
 مبارکه و سیدم الذین ظلموا .... مینگارند چیزی حاصل  
 نمیکند و کسی به داد آن مظلومان نگیرد

( قرآن کنند حرز به طه کشند تیغ )

( یسن کنند حفظ امام مبین کشتند )

هزار افسوس بر این غیرت اسلامی که یازده سالست  
 جراید ایران واعظان و مدرسان و اصحاب همه از اتحاد  
 اسلام دم میزند و اهالی را ترغیب و تشویق میکنند ،  
 عوض اینکه در صد یک مقابل بلال شود ، اظهار سیرت  
 مینمایند ، کجاست آن رفیق محترم ، که معلم از ایشان  
 آوردن و درس خواندن و داستان ترکی باز کردنرا  
 توصیه مینمود ؟ !

( کاش می آمد و از دور تماشای میکرد )

( بنده میدانم خوانندگان روز نامه مقدس پس از  
 مطالعه این مقاله عتابیه خطایم خواهند فرمود که  
 لطیفی دید مانده بنده نیز در جواب همان دو بیت شعر  
 سر لوح را عرضه میدارم )

باری گاه است که آن شخص عزیز از ندیدن احوال داخلی و خارجی آنان معذور است از مانند بنده نگارنده که بیست سالست نشست و برخاست دارد بپرسد که در زیر نقاب چه پنهان است با همه این مراتب عرض میکنم

(دماغ عشق بداری بهار زلف بهرس)

(که این معامله با خواطر پریشاست)

بلی، نوهالان باغ وطن یعنی نو ماوگلف مملکت بیکار از دست جهای يك قوم اجنبی اشترار در دیار غربت مانند برگ خزان ریخته، و سر و صورت ایشان با منهای شکنجه و آیت بریده و بدران را جامه دریده و مادران بچرگان موکنان و مویه کنان مپایند،

ملتی که از در مرحمت همه حکومتهای کره ارض رانده در صدر مجلس ما عزیز بی جهت مانده اند:

بلی، اگر دریکی از مالک بیکار سک شکار بکنفر خارجه را از طرف طفلان کوچه سنگی انداخته شود اول آن سنگ زشت به سیصد تومان از جریمه آن عمله ارزش بهم میرساند، نایباً حکومت محلی هیئت مخصوصی را برای ترضیه و اعتذار نزد موسیو (زهرمار) میفرستد در مملکت بیکار در روز یوزدهم ماه مبارک بکنفر

بچاره را در شارع عام به چوب بسته و باهاش را خون آلود می نمایند که (تو چرا به قیافت خاتم فرنگی خندیدی؟) در مملکت بیکار کشته شدن بکنفر روسی و ملت شدن بکنفر آلمانی موجب قیل و قال حرا به فرنگستان میگردد، گویا در مملکت خود شان روزی سدها از تبعة اجنبی یا (بومیه) و اجزاء ناریه بقتل نمیرسد

خلاصه کلام اهالی بی علم و بی صنعت و بیکار در هر روز گار ناچار و ذلیل و خار اند خداوند تبارک و تعالی به مجلس شورای ایران توفیق کرامت فرماید که این سر بر شور تلافی ما فات را به پند و برای اهالی کار پیدا فرماید

(از خدا خواهیم توفیق عمل)

بندر عباس

چندی قبل بعضی از تجار در جرایده کایات از اطلاق مال التجاره خود در بندر عباس می نمودند و آنچه شکایت آنها نتیجه میداد باطنش برمیخورد با اداره کرک زیرا از وقتی که بار از جهاز پیاده میشود تا

و قتی که بصاحبش برسد مقداری از آن تلف و نابود میگردد و این کیفیت در اداره کرک راجع بشعبه حال ناشی گری بود حال باشی کرک عباسی عبارت از دو شریک بودند، یکی مشهدی نجف پسر مرحوم حاجی ناخدا علی معروف، و دیگری محمد علی، ولی محمد علی ابتدا بدون مشهدی نجف بود، بعد به عجز و لایه که جناب میکنم تمام زحمات را متحمل میشوم خود را شریک کرد، اما و حقیقه در اداره کرک بعنوان اعتبار برده شد تنها متعلق به مشهدی نجف میباشد و محمد علی فقط شریک دخل بود و صورت ظاهر شکلی رفتار نمود که طرف اعتماد مشهدی نجف واقع شد حتی موسی الیه در رأس هر برج مدخل و خرج هم مرور و رسیدگی نمیکرد هر چه محمد علی میدادت عین واقع میدادست

بعد از مطالعه مقالات مذکور در خصوص سرقت مال التجاره عباسی مشهدی نجف مذکور درصدد تحقیق و رسیدگی در امور محمد علی برآمد فقراتی چند نقل یعنی از سرقت های او دستیاب شد معلوم است بن مسئله خود محرک شد که در محاسبه شخصی هم رسیده می شود، چنانچه بعد از تحقیق بدنی نقاب هر ماه او ظاهر شد

این اتفاق مقرر با حرکت مسیو واگنر مدیر اداره بود، و چون مشهدی نجف دید محمد علی امر را به مدیر مشارالیه مشتبه و رسوخ خاصی در قلب او پیدا نموده که هر چه در احقاق حق و دفع این غائلات بخواهد بکوشد بی فایده است چنانچه بی نتیجه هم ماند سکوت اختیار کرده تا آنکه این ایام مدیر جدید آمد و مشهدی نجف شرح گذارش را به مرض مدیر جدید رساند و تجار هم که مصمم بکشف مسروقات خود بودند نزد مدیر مشارالیه رفته و دعاوی خود را اظهار داشتند، محمد علی را حاضر همان مجلس اول مقدار زیادی اموال تجار دستیاب شد، و بعضی اشیاء را که مفقود کرده بود بعد از ثبوت و اقرار قیمت آن را گرفته از جمله بقیچه های ریسان که متعلق به جناب عمده التجار حاجی شیخ احمد گلهداری بود، قیمت آنرا نقد گرفته تسلیم حاج مشارالیه نمودند و همچنین سنادی قدکه متعلق بجناب عمده الحاج والاشرف

حاجی امین التجار بود، دستیاب و تسلیم جناب مشاورالیه گردید، این مجلس اول بود باز مجالس خواهد شد زیرا دعاوی بسیار است، در مجلس دیگر نیز تقلبات شخص مزبور به شریک دخل خودش که اقل در هر وجهی متجاوز از یکصد تومان بود ظاهر گردید مدبر گفت قرب چهار سال تو این نوع رفتار و معامله نموده و باید تفاوت این مدت را بدی - اینها تقلب و دزدبایی این شخصی است از نجار و شریک خود حالا خیانات او نسبت به خود اداره از قبیل تنگهای دولتی را تغییر وضع ولون داده و بمصرف فروش رساندن و با بعضی گرگان ساختن و بعضی اجناس ممنوعه وارد کردن بسیار است

واقعا تا اندازه اقدامات فعلی این مدبر اسباب خوشنودی و امیدواری نجار گردیده تا بعد چه پیش آید معلوم است بعد از احقاق حق و تحصیل مفقودات او را بجزای سخت و از اداره گرك طرف خواهد کرد که باعث عبرت سایرین گردد، چون چندی قبل شرحی مفصل در سرفتن مال التجاره عباسی در جریده مقدسه درج فرموده بودند، و این واقعه حالیه را میتوان از اثر آن شمرد لازم آمد خاطر شریف را متذکر و قارئین محترم را بشارت از دستگیری این دزد خانگی بخصوص تجاریکه از عباسی دور واقع هستند عرض نماید ( خادم ملت )

### مکتوب از خراسان

#### قابل توجه معلمان مدارس ملیه

با یکی از دوستان از کویچه اوك مشهد عبور میکردم، طفلی ده یازده ساله از جلو ما میگذاشت کلامی امیری از برك در سر، و لباس مخصوصی در برداشت، رفیق بنده بزبان ترکی گفت این طفل از وضع لباس و نشان گویا شاگرد مدرسه است، ولی کلاه برکی نیم رنگ که بسر گذاشته خلاف رسم و عادت است، کلاه با این وضع معمول نیست طفل مزبور مذاکره ما را شنیده ایستاد و بترکی گفت ( عمو، کلاه من چه عیبی دارد، این کلاه باجیب لباسهاییکه پوشیده ام جنس وطنی است، و شامم اگر غیرت ملت خواهی داشته باشی بد از این لباسها بپوشید ) این را گفت و معقولانه

عذر خواهی و خدا حائلی گفت و رفت، بتقریر نیاید که از استماع این حرف از يك طفل ده ساله که مثل خنجری بدل هر ملت خواهی اثر میکند بنده را تا چه اندازه حیرت و حسرت و انقلاب حالت روی داد، از یکطرف ملاحظه حال برادران ایرانی خود را نموده که هنوز در جهل و بجاه سالگی بوی ملت خواهی استشمام نکرده، بمحقوق وطن برستی بی نبرده ایم اشک حسرت جاری شد، از یکطرف آثار غیرت ملی و علائم نیکبختی در نوباوگان وطن ملاحظه نموده گریه بی اختیار از روی اشتیاق دست داد، بالاخره سراغ این طفل متمدن را گرفته، معلوم شد میرزا لطف الله نام شاگرد مدرسه معرفت و پسر حاجی الله وردی تاجر خانه برادر حاجی اسدالله مؤسس مدرسه مزبور است که هر دو از رجال غیور وطن پرست ملت خواه هستند، در این چند روز مکرر بجماعی اینمدرسه رفته از مشاهده وضع نظامات و ترتیبات آنجا يك دنیا خوشوقتی و تشکر حاصل کرده، ضمناً خیلی تأسف خوردم که چرا از این قبیل مدارس در هر شهری از شهرهای ایران چندین باب نداریم شاید تفصیل ترتیبات این مدرسه در نظر آنان که از امثال اینگونه مدارس جدیده خیلی دیده اند چندان تازهگی نداشته و فقط در نظر بنده که نه در خانه مان و نه در خانه همسایه مان اینتسم مدرسه بطرح جدید ندیده ام اوضاع نظم و سلیقه این مدرسه با يك غرابت دلربا جلوه گر شده است لهذا از این همه مشهودات که در اینمدرسه دیده ام فقط یکفقره را که خیلی جنک بدل زده حباب نظر دقت مینماید عرض میکنم

معلم اینمدرسه همه روزه قبل از درس خطابه مختصری مبنی بر دعای پادشاه و مجلس شورای ملی و علماء اعلام و مؤسسين مدارس و تعریف علم و سهی و کوشش در تحصیل علم و ذم جهالت و تنبلی مینخواند، بعد از آن شروع بدرس میکند، در ضمن هر درسی با يك تقریر بسیار شیرینی که حواس متعلمین را از روی کمال ذوق و شوق بدقت تمام حباب میکند مزایای اخلاقی بموم شاگردان خاطر نشان میکند، و آنها را بفواید و محسنات علم و اتحاد و حب وطن و خدمت به ملت و اطاعت بزرگان دین

بجوی مطلع و آگاه میناید، اینست که شاگردان این مدرسه علاوه بحصیلات درسی که بجوی یاد گرفته و در زمان خبلی کم ترقی فوق العاده کرده اند ضمناً یکعلم غیرت ملیت و حمیت وطن پرستی و فضایل اخلاقی نیز ادراک نموده اند و این نکات با یک تعالیم غربی که فقط ذوق درک میکند و بتقریر میناید چنان در قلوب آنها ذهنی و متمکن شده که هر بیخه ده ساله مذاکره وطن و ملت و پادشاه و مجلس شوری را ورد زبان ساخته، از عالم انحد و وطن پرستی دم مینزد خوب است جمیع معلمین مدارس و مکاتب قدیم و جدید مثل جناب آقا سید حسین اردبیلی ادیب و مدرس مدرسه ( معرفت ) که خداوند امثالشانرا در ملکات ما زیاد فرماید این نکته خبلی مهم را مرعی داشته این سلفیه بسیار معظم اهم را همه جا منظور و معمول و مجری دارند تا جمیع نونهالان وطن عزیز از صفر سن این گونه محضات بلکه واحبات علم انسانیت را کالتش فی الحجر ملکه نمایند

رفع شبهه

حجج اسلامیه قزوین ادام که اطلالهم تعلیقه دیل را باداره جبل المتین صادر نموده برای رفع شبهه عیناً درج می نمایند

مکتوب از قزوین

بسم الله الرحمن الرحیم

خدمت جناب مستطاب شریعتمدار آقایی مؤیدالاسلام سلمه الله تعالی عرض میشود، انشاءالله تعالی همیشه وجود مبارک در سایه حضرت حجة عجل الله تعالی فرجه در اشیدد مبانی ائمت و انحد مؤید و منصور باد بحق محمد و آله

ضمناً زحمت افزا میشود که بحمدالله از حسن عقیده و ایمان کافی و بذل زحمات چهارده ساله جناب عالی در نشر اوراق روزنامه مقدسه جبل المتین که کلا مندرجات آن در ارائه طریق و صلاح و فلاح عامه امت حضرت خیرالانام علیه آلاف التحیه والسلام و حفظ اساس مقدسه شریعت غرا و ملت بیضا بوده موجب هزار گونه تشکر و امتنان است وهم بحمدالله در این موقع وسیله بدست آمده ادعیه خالصانه و خلوص قلبی را بذریعه این مختصر باداره جناب عالی تقدیم مینمایم، وبقای اداره محترمه را که واقعا علمدار

و داد و انحد مسلمانان است از خداوند مسئلت مینمایم، تلوا خاطر محترم عالی را که از شبانه غرض و نفسانیت بیگانه است متذکر داریم که آنچه جریده مبارکه در ذیل عنوان قزوین در نمره ۳۳ از سال چهاردهم بامضاء احمد کاشانی اشاعت یافته تمام نگارشات من البدوالی الختم غرض و هتان و کذب واضح است، چنانکه خود جنابه لی بدقت ملاحظه فرمایند ابدأ لازم بشهود و ینبه نبوده و نیست و احمد نام کاشانی در قزوین وجود ندارد، مفرضین و اهل حسد و بخل آنچه بمقام مبلغ حضرت مستطاب ملاالانام آقایی حاجی شیخ لاسلام سلمه الله تعالی نسبت داده اند حکایت از اغراض شخصیه نویسد میکند و افسوس از این روزنامه مبارکه دارد که از لباس اعتبار و گمنام خارج نمایند، اعیان و اشراف بی غرض وطن حقیقت مطالب را البته باداره خواهند عرض نمود، محض آنکه این جریده مبارکه باغراض منسوب نشود این مختصر را زحمت داد ایام افاضت و جلال مستدام باد ۲۱ ع ۲ ( ۱۳۲۵ )

محل مهر حضرت مستطاب حجة الاسلام والمسلمین مجتهدالعصر آقایی حاجی ملاعلی اکبر مجتهد سلمه الله تعالی محل مهر حضرت مستطاب حجة الاسلام آقایی حاجی سید حسین مجتهد سلمه الله تعالی محل مهر حضرت مستطاب حجة الاسلام آقایی حاجی سید ابراهیم مجتهد سلمه الله تعالی محل مهر حضرت مستطاب شریعتمدار ملاذالاسلام ماجا الحاص والدام آقایی میرزا عبدالوهاب خف مرحوم حاجی سید تقی اعلی الله مقامه محل مهر جناب مستطاب شریعتمدار عمده العلماء والفضلاء والفقهاء آقایی حاجی سید مرتضی مجتهد سلمه الله تعالی محل مهر جناب مستطاب شریعتمدار آقایی ملا علی اصغر مجتهد سلمه الله تعالی

جبل المتین

ظاهر است که با این تعلیقه حجج اسلامیه قزوین برای ما واحدی هیچ جای شبهه باقی نماند که نگارشات شماره ۳۳ میلی باغراض نویسنده آن بوده لذا لایحه ذیل را که در تردید مقاله مزبور است جناب حاجی علینقی امین وکیل التجار را درج نمودیم

حیاتی لایحه بیفرضانه

- ( جهاناً چه بد مهر و بدخو جهانی )
- ( چو آفتاب بازار و بازارگانی )
- ( هر کار کردم تو را آزمایش )
- ( سراسر فریبی سراسر زبانی )
- ( وگر آزمایشت صد بار دیگر )
- ( همانا همانی همانا همانی )
- ( خوری خانی را و دهانت نه بیم )
- ( خورنده ندیدم بدس بی دهانی )

از آنجا که همه دانشمندان ما وجدان و انصاف اذعان دارند که این پیش آمد وسایل استقلال و آزادی ملت نجیب ایران همانا از نتایج زحمات طاقان فرسای ارباب معارف ایرانیه بوده که اوراق مقدسه آنها سابقاً و لاحقاً سدیات و حسنات اعمال و اقوال يك ملت بزرگ شریف چندین هزار ساله خواهد بود

لهدا بنده شگاریه بدون ایسکه نام مستعار و شغل جعلی برای خود اختیار نمایم میخواهم در اواین مرحله سعادت و حریت ملی بدریمه روزنامه مقدس در سابع عرش پایه شورای کبرای سلطنت عظمای ایران که بیارک و مسمیت ناشر احکام مطاعه شریعت غرا و حافظ نوامیس ملت بیضا شایسته میشود يك محاکمه عادلانه بنایم و اعضاء محترم روزنامه مقدس را که به آواز بلند طمانت ملت را به کفین اتحاد و سلامت خاطر و تهذیب اخلاق و عادت عمل و حراست احکام مقدسه اسلام دعوت میفرمایند از يك حدیث ناگوار غیر مشروع که در روز یازدهم ربیع الثانی بدبختانه اتفاق افتاده مطلع دارم تا به میاس دینداری و اسلامیت واقعی صدور این گونه شامت و خودسری را از ساحت مقدسه علماء اعلام حقه دور و بیگانه بندارند که ( ما کان ابوک امره سوء و ما کانت امک بنیاً )

در حینکه میخواستم این واقعه را شرح دهم نمره ۳۳ روزنامه مقدس رسید و در صفحه ۱۷ در تحت عنوان قزوين مشروحه دیدم در ابتدای قرائت آن که اظهارات دانشمندی و وطن دوستی و سخن شناسی نموده بود و مخصوصاً این بیت را از استاد کلام شیخ مصلح الدین علیه الرحمه بوقع شناسی و سخن دانی و نوع خواهی خود شاهد آورده بود که میفرماید

در چیز تیره عقل است دم فرو بستن

بوقت گفتن و گفتن بوقت خاموشی

و باین جمله رسیدم که مینویسد و میگوید (جنس سخن را نام و نسان چیست لا حالا که هوشیار شده ایم قلم و زبان آزاد است باید صحیح را از سقیم و راست را از ماست با لباس جراید تمیز بدهیم )

از این جمله عبارات بسیار خوشوقت و مسرور شدم باین عقیده که الحمد لله دانشمندی ظاهر شده و با علیی وطن معاضدت کرده میخواهد لامحاله بمعارف ناقص و فلاحت بی اساس و زن مندرسه و حقوق مکتومه نوعیه و ارائه طریق تامین بلاد و راحت عباد خدمتی شایان بوطن عزیز فرماید چنانکه ( برانسور ) متوفی رئیس سابق دارالترجمه علوم و معارف روسیه میگوید «ملتی که در هزار نفر دو نفر عالم ندارد باید کتب علمیه دیگران را با لغات وضعیه آنها ترجمه کرده و به لغات وطنیه تلفیق نمود تا مدار زندگی

را طریق سهل و ساده بدست آید» بنده هم گمان کردم که نویسنده مکتوب با ادبی سخن دانی حاضر شده الف بای خراب مکاتب را اصلاح کرده و برای وضع لغات صنایع اروپا يك منت عمده و بزرگی با اداره علوم حدیده گذاشته و ملت فارسیه را از تکلم المناظر اجاب بی نیاز نموده از نالیفات کتب لغات وطنیه علامتی بیذکار گذارد

بدبختانه ما آخر مقاله مرور کرده دیدم بیچاره پول پاک ایران را در بهای کاعنه و پاکت و یکی داده مدنی عمر خود را در اقاویل باطله و تبههای خک و اقماری پا در هوا به برادران دینی و اخوان وطنی خود صرف کرده و خود گمان نموده استقلال آزادی و هیاهوی وا وطنی امت برای این است که هنر عادت جامده و وخامت و بوالهوسی و آثار اغراض شخصیه را هزاران سال بیین عادات مشنومه خون شریف يك ملت بزرگ را فسد کرده اند و در لجههای خود جز تروج رذایل و نشر جهالت و اغفال ات و خرابی وطن و تفرقه اقوام و شقی عسای مسابن کار دیگر نداشتند. حالا بتوسط جراید مقدسه ملی میخواهند هنر نتایج را محصل نمایند. اف باین دانشمندی و تف باین وطن ستانی!

بالجمله احمد نام کاشی در خانه شماره ۳۳ اولاً خود را با جناب آقا محمد ابراهیم تاجر منازعه و کین روزنامه مقدس نمودت و دوستی معرفی کرده. عرض میکنم اگر جناب آقا محمد ابراهیم چنین شخصی را در قزوين می شناسد تمام نگارشات ایشان بدون معارضه صحیح است

تایماً خود را از ادباء و دانشمندان قلم میدهد. عرض میکنم کسی این دعوی را تواند نمود که لامحاله از علم محاورت و آداب معاشرت و متممات تربیت اقله بدرجه اطفال کوچک مدارس ملیه بهره داشته باشد. این نکته بنده را منهدم و ملزم داشته که شطری از دستور العمل دانشمندی بگاه یا مجسمه قلم حضرت مجاهد روحی فداه در این مورد ابراد نمایم که میفرماید. (مراد از ادباء طایفه هستند که ماحصل قوانین الهیه و خلاصه حقوق بشریه را که موضوع تهذیب و عفت است به بیانی ساده بنادون خود که صنوف متوسط امت بشمار میروند بفهمانند) پس باید این سلسله حلیه حامی ملکات فاضله و جاری اخلاق صحیح باشد بلکه مستقیماً بالله میگویم که سعادت يك جمعیتی در نتیجه قدرت قلمی حکمای جلیل آن هیئت است و اگر امتی را سابع همی سعادت بر سر نیست. باین است که ناشی از فقدان حیرت است که باید داشته باشند و بدبختانه ندارند. بلکه میخواهند هیچ وقت دارا بشوند برهان این بیات و تنبیه بنظر دقیق در تواریخ اقوام مجاوره چشم بگردانم بخوبی روشن میشود آنچه خلاصه عرض بنده است عرف امروزه دنیا مراحه میگوید يك زبان شیرین نازه باز شده که در مجادله ادبی لغو گوئی و شم و بی ادبی صحیح نیست. اگر وقتی یکی از حکمای بزرگ حقی خشن گنت و جوابی ناملازم شنفت چون عرف عالم امروزه برخلاف این می رود. این دستور را دستورالعمل نمیتوان قرار داد و به شهادت عقل خاتمه به آن فصل ناقص میتوان داد

یکی از حکمای جلیل فرنگ میگوید. (شخص شایسته در مقام مجادله علمی سخن ناشایست نمیگوید بلکه در همه حال خود را حفظ میکند (والذین عن اللغو معرضون) زیرا کلمه ناشایست قدر و شرف مرد را می شکند و همیشه دامنگیر

و شتون ریاست روحی و جسمی پدر بر پدر حضرت شیخ الاسلام می نمود و تاریخ عالم آرای عباسی که در چند موقع شرح علو شئون و مقام اعلیٰ جد حضرت معظمه میر سید حسین جبل عاملی دختر زاده شیخ علی عبداللہ کہ بعد از فوت جد امی بتصویب تمام حجج اسلامیه آن عصر و شاه طهماسب اول ملت بمخاتم المجتہدین است کہ بر حسب فرمودہ میرداماد و سلطان عصر توفیق اورا سیدالمحققین و سندالمدقین و ارباب علوم الانبیاء و المرسلین خاتم المجتہدین مرقوم میباشند، مختصراً نفوذ کلام و قوت احاطہ و ہمت والا و نوع پرستی جد حضرت شیخ الاسلام را در مبادلہ سیاسی و کشور ستانی صادق خان شہاق با خاقان بہرور متعملی شاه کہ ناسخ التواریخ و سر جان ملک مورخ بی غرض انگلیسی مبسوطاً ضبط کرده سرور نماید فرزند برومند چین فامیل محترم را بیک رد او ہیا مورث نمایند اینک بندہ نگارندہ عہد میکنم کہ آنچه شرح میدہم در ہر دیناری نقد و بکوجب ملک خلاف گنہہ ہاشم ہزار ہومار مجاناً بہ مدارس ملیہ تقدیم نمایم تا صرف مصالح تعلیم ملت فرماید .

اولاً بعد از اینکه اموال و متروکات و املاک و مستلات جد و پدر مہنور حاکم شیخ الاسلام بچندین طبقہ ذکور و اناث بحکم وراثت شرعیہ توزیع شدہ حقوق شرعیہ شخصہ حضرت معظمہ غیر از عمارات و مستلات و جواهر آلات و اثاث البیت لافہ نفیسیہ ملوکہ فرادین را شش دانگ بہ دانگ بالانہراد دارا و ( الوند - دوات آباد - حاسک - یانس آباد - محمود آباد - ناصر آباد - شاریس - شنیع آباد - بہا - و سرا آباد - جہان آباد - جنت آباد - ادبرک - علی آباد معروف بتلات - شاہ کو - قیصرہ معروف بسید علیخان فی اعلیٰ جد امی شان - کاروانسرای معروف بہ نیچہ - مزرعہ یرسہ) ماکند کہ تمام اینہا منصرفت موروثی حضرت معظمہ الیہ است و هیچ کدام از اینہا را شخصاً خریداری فرمودہ

احمد کاشی فرمودہ موقوفہ و اثاث مردم را ضبط کرد. اند. جواب عرض منکہ اگر احدی از خارج اظہار کند کہ جبہ و دیناری از موقوفہ و ثلث دیگری غیر از مقررات متصرفی اجدادی و وقف و ثلث جد و پدر خودشان در تحت نظارت و امانت شرعیہ حضرت شیخ الاسلام بود بخود گویندہ واگذار میشود

نیز میفرماید مولانا بنای عوام فریبی گذاشتہ. عرض میکنم خوب است انسان باطراف نگاراش نظر اندازد افلا در یک نوشتہ محضہ این قدر ضد و مخالف فرماید اول میگویی مولانا فعلاً بلات دولتی اکتفا کردہ و در ردیف اعیان است احدی ہم انکار نتواند نمود کہ بندگان معظمہ الیہ از سلسلہ حلیہ اعظم و ارکان و اشرف و وجوہ محترم مملکت میباشد

در این صورت هیچکس شنیدہ اشخاصی کہ در جادہ رعونت و کبریائی قدم مہزند و درخریط شہمت و اقتدار ممکن باشد در سدد عوام فریبی برآیند؟ عوام فریب کسی است کہ دزدانہ بدناس زہد درآید و غول و ازوا را علی الظاہر یشہ کند تا بفریب و نیزنگ ماحصل زحمت و رنج دست عوام بیچارہ را بخدمہ گرفتہ صرف نالی و بوالہوسی شرورانہ خود نماید، عوام فریب کسی باشد کہ محض خود نمائی در روز عاشورا عوام را بدور خود جمع کردہ باسم حیدری و نعمتی چہدین فر جاہل را بکشتن میدہد، کہ اگر آن روز ہمین شیخ الاسلام با کلام اللہ مجید

متکلم است یعنی ہر کجہ کہ شخص مخاطب خود را برشرد خود را مستحق ہان کجہ میدانند و نسبت کجہ را بخودش عیب نمیدانند و فنیکہ من بمخاطب گفتم نمی فہمی چون می بینم او ہم انسانی است دارای ہمین ادوات و مطلع بر ہان اداست و خارج از دایرہ امکان نیست کہ برگرداند بن گنہہ سرا، پس من حاضر شدہام باستحقاق از برای شنیدن ہمین کجہ خود اگر حاوی شرف و دارای ناموس ادبی باشم، خود نفس خویش را بہ بدی یاد نخواہم کرد. لاجرم چون محاکمات قلبی را عہدہ کردہام ذیلاً نگارشات نگارندہ موهوم قزوین را فصل بفصل نخرہ نمودہ و درمیان علامت براتیز خلاصہ تخریرات مشارالیہ را نقل کردہ و جواب میکنم اولاً باید دانست کہ احمد نام کاشی ہان جناب سید . . .

چہند ثابت کہ بحکم حجج اسلامیہ حال و استیال بفریح حق در مسند شرع نبوی (ص) جلوس نمودہ کہ مدارج سلوک و عوالم حرکات مشارالیہ را در قزوین با دلایل حسیہ و عقلیہ و نقلیہ بعرض میرسانم

ثانیاً چون امضاء مکتوب نمرہ ۳۳ احمد کاشی است بندہ ہم آقای عالم ثنا را احمد کاشی خطاب و جواب میکنم (احمد کاشی میگویی آقا میرزا حسن بواسطہ روابط خاصہ با مرکز ضلالت سرود عوامی اعلام غیبات مشرفہ ہودہ اند) عرض میکنم تلاوہ از اینکه شرح این مسافرت درجات شون و مراتب نفقات حضرات عالی حجج اسلام عراق عرب را نسبت بجناب آقا میرزا حسن وقایع نگار موثق خود ادارہ عرض کردہ در نمرہ ۳۴ روزنامہ مندس از سال سہزدهم منتشر است. حضرت مؤیدالاسلام کہ قاضی با وجدان این محاکمہ ہستند میتوانند از طرف خود امینی چند مترر فرمایند تا مرقومات مکررہ حضرات حجج اسلام غیبات عالیات مدظلہم العالی را با معزی الیہ مادلہ کذبہی دارند برای این دندہ از سایر اعمال حسنہ و ملکات فاضلہ ہمین شخص در تاسیس مدارس ملیہ موسوم بامید و توکل و اشتراک در بانک ملی و ترویج جراند وطنیہ و حفظ شئون وطن و خدمات بلسماء حسنہ و ہمزای و مظلومین وطن تغیش کامل نمایند تا احمد کاشی باسناد کفر و ضلالت فرقیہ در میان امت نیوردہ. چنانکہ جاہل بوالہوس خاطر مبارک ویلسوف یگاہ افشار ملت ایران حضرت طالب اوف دام ظلہ را باین گونه خراہت مگردنمودہ و شورای کبریٰ مقدس ایران را از خوش بختی و سعادت ابدی محروم نمودہ و حال آنکہ در این موقع نازک بلانہایت بوجود امثال حضرت طالب اوف محتاجیم

احمد کاشی میگویی مولانا در چند سال قبل جزآن ردا و عنای موروثی دارای چیزی نبودہ منتسب باسم اسلام شد و بنای عوام فریبی گذاشتہ از مال مردم مکتبی ہم بستہ با اسکہ از کسوت علم عربیان است ہر موقوفہ و ثلثی بود بخانہ منکہ نشاندہ

عرض میکنم احمد کاشی موهوم کہ شخص جناب آقا سید . . . است از عبادت مزبور و اسم مولانا مقصودش بندگان حضرت آقای حاج میرزا مسرود شیخ الاسلام مدظلہ العالی است. چون نسبت خانوادہ محترم و فامیل جلیل چہار صد سالہ کہ عقاید صانیہ و جلال امور و سعیت تا بناک و مقام ارجمند ایشان مشہور آفاق و ضبط تواریخ است نمیتوان معدوم نمود و جز غرض و فضاحت گویندہ نتیجہ دیگر نخواہد داشت، خوب بود احمد کاشی صطف نظر بتاریخ حالات و ثروت

و عمامه - بابت و ثرات خانوادگی نرسید و مردم را با هزار زبان ملامت و نصیحت تفرقه نمیفرمود دوست نفر دیگر از عوام بیچاره بقتل میرسد بهرحال من همان وضع زندگی و مدار معیشت حضرت شیخ الاسلام را با عنوان سهل و ساده مدلل میکنم هر سالی غیر از وجوه بریه که میدهند بیست هزار تومان مخارج شخصی ششویه دارند و مدخل آن را معلوم میکنم

اما جنابالی که دیگران را عوام مریب اسم میگذارید راه زندگی نان از چه محل است؟ بی عوام مریب همان است که در سال حکومت عمادالدوله محض اینکه اخلاق مردم زیادتر فاسد نشود و حقوق مردم دست خوش عالم نمایان نگردد، حضرات صحیح اسلام آخوند ملا علی اکبر مجتهد راه کشی و حاج ملا علی اکبر مجتهد سیاه دهنی و حاج سید ابراهیم مجتهد نواده آقا سید حسین معروف و حاج شیخ عیسی مجتهد شهیدی و مرحوم حاج سید ابراهیم مجتهد تنکابنی و مرحوم آقا میر عبدالصمد مجتهد و مرحوم آقا شیخ مفید مجتهد و مرحوم آقا سید جعفر مجتهد که حامیان اسلام و ناشرین واجب الاطاعة احکام شرع مطاع هستند بطور اتمام حکم فرمودند که مداخله سید ۵۰۰ باحکام و قضاوت شرعیه منق و حرام است

امروزه همان احکام مطاعه در ضبط امت هرکس بخواهد مشاهده نماید اراده آن عیناً بمسئله نگارنده خواهد بود، با این حال تنبیه و تادیب نشدی و محض اینکه کلاه عوام را برداری هزاران افسانه بافته تا معاش خود را تیره فرمائی، و چون تحصیل نکرده تا در ارائه طریق معاش و معاد و ناهین ممانع و صیانت حدود مدینه علم با نتیجه اشاعت دهی پس ناچاری از افسانه های رمالی و کت بینی و طلسم زنگوله و نامه جادو بعوام مظلوم شرح دهی که مرغی است بنام مرغ سعادت بیفته او طلاست میخواهم جای او را بمحبت عموانشان بدهم تا دل و جگر مرغ مزبور را بخورد و شاه بشود آقا جان قربانت برم شما چرا خود آن مرغ را نمیخورید، آه آه حسین عمو تو هنوز صرا نشانخته که من دل بدینا نه بستم، با اینکه امشب شام نداریم بفلک افتنا نداریم، حسین عمو هم چه قدرست فطرت باشد در صورتیکه دو روز دیگر بتوسط توجه آقا شاه میشود امروز دو قرآن اجرت جمالی خود را تقدیم آقا بکند

خلاصه احمد کاشی میگوید، مولانا از سی هزار تومان ثلث مرحوم عضدالدوله هزار و پانصد تومان بمدرسه خیابان خرج کرده و آنجا را با نقوش کاشی و اجبار باسم خود تمام کرد اولاً بمدرسه در ۱۳۱۳ بنا شده و عضدالدوله در ۱۳۱۷ ارتحال نموده در صورتیکه اولاد متقدر عضدالدوله مثل حضرات والا دین الدوله و سپهسالار و حاج سیف الدوله با علو مقامشان سی هزار تومان ثلث پدر خود را معرمانه بمحضرت شیخ الاسلام میدهند که مدرسه بنام خود بنا نمایند خوشت از خودشان محقق فرمائید (نا سیه روی شود هر که در او شش باشد) چنانکه حضرت والا سیف الدوله عمارتی که او بنا بایشان رسیده و هزار و پانصد تومان قیمت داشته وقتاً تقدم مدرسه مبارکه سعادت عالی درجات کردند در چندین روزنامه ملی این همت مختصر را بملت اعلان فرموده ثانیاً مدرسه خیابان را که حضرت شیخ الاسلام بنا فرموده الساعه بتصدیق مهندسین نازک اندیشه و معماران سفار بینه میتوان مدلل نمود که متجاوز از چهل و پنجاه هزار

تومان صرف آن بنی مقدس شده بملاوه ملکی از املاک شخصی خودشان که سالیانه سه هزار تومان اجاره بندی آنجاست وقف مویب مدرسه مزبوره نموده که ابنیه حبریه و فوارخ با نشان نمیده جز سلاطین با احتشام و صدور عایندم، آنها از طبقات محترمه اشراف و اعیان بدون معاوت احدی شخصاً چنین بنای سعادت و خیری کرده و ملک پنجاه هزار تومانی محلاً وقف آن بنای مقدس فرموده باشد، من میگویم که تمام این مخارج از ابتدای بنا تا موقوفه آن از کیسه ثروت و بزرگی خود بندگان آقای شیخ الاسلام است

احمد کاشی میگوید، از ثلث مرحوم عضدالدوله و اعانه معرمانه مردم است، بنده بعد از اقامه شواهد حسیه باز ملتزم میشوم هرکس اظهار نماید يك قران در این معامله شرکت نموده یکصد تومان دریات نماید، قویاً تاکید میکنم بیایند و بگویند خوب مرد سالی مردم اگر يك دینار از وجوه واجبه یا بره بهر اسم که میدهند بتوسط جراید و غیره هزار خروار منت تحویل ملائکه کروی میفرمایند، در قزوین چگونگی معاوت معرمانه بمحضرت شیخ الاسلام میبایند و نفسشان در غی آید تا احمد کاشی موهوم بفریاد بیاید، و اما ثلث مرحوم عضدالدوله بهه جبه سیده هزار تومان بوده که حالا هم در ضبط حضرت علیه شمس الدوله صدیه آن مرحوم است و هنوز مصرف آن معلوم نشده بنای مدرسه حضرت شیخ الاسلام دام ظلّه و موقوفات آن با نست ثلث عضدالدوله مرحوم چندین مراتب زیادتر از دارائی آن مرحوم است

تا که دانش و غیرت شد ز خلق ایرانی ملک و ملت ایران کرد رو بورانی یکی از حکمای جلیل فرنگ با شواهد ملفه میگوید «امتی که حس زکی و عقل مستقل ندارند جز استیلای سلطنت مسئله را شایسته نباشند» رفیق موهومی ما میخواهد با این نفاق و خود غرضی و گرافه گویی در جواغلتا و حریت طبران ناثیم و مثل رومیه الکبری منهدم نباشیم ای آنکه بخل و حسد اندد جذام وجودت را باین شامت مبتلا کرده خدا را انصاف ده که خودت بالیمان دیده و میدانی که حضرت شیخ مدظله العالی مدنی قبل از بنای مدرسه و تعیین موقوفه تمام عمارات عملة موروثی خود را با شکوه ملوکانه بفرزند ارجمند خود مرحمت فرموده و عماراتی جدید چنانکه شایسته شان و منام منبع وجود مکرم است با اساس اولیه و میل های شایان توجه سیاحان با معادله پنجاه و شصت هزار تومان تمام کرده که عالماً محل نزول توقف سلاطین و صدور و علمای عظام و امرای ذوی الاحترام و عابرن سلیل است

احمد کاشی میگوید مولانا بطبع دو قطعه سنگ یشم در زاویه منسه پیغمبریه باز مبالغی از مردم معرمانه اعانه گرفته، اصل منصود را از میان برده و دو قطعه سنگ یشم مزبور را در طهران فروخته تا آخر حاج محمد علی آقای امینی آنجا را بشدر لزم تعمیر نمود، یا للمحب ان مردم چرا این همه اعانه معرمانه میدهند و این دو قطعه سنگ یشم را که قیمت اغراق داشته کدام يك از سلاطین در این زاویه گذاشته که در هیچ تاریخ و دفتری ضبط نگردانند و حال آنکه دارائی بقاع متبرکه بهر مذهبی که منسوب است در ایران و عراق عرب و خجاز و شامات و هندوستان که اشیا نفیسه و جواهر آلات دارند اولاً واقف آنها معلوم و ثانیاً در نعمت حراست و محافظت و نظارت امنای هر

منتهی است

بلاوه احمد موهوم ما مثل اینکه از هیچ علمی بهره و نصیب ندارد از تقویم اخبار هم بی خبرند، سرافان اخبار میدانند که سنگ بسم هر چه بزرگ باشد با صد يك مخزن سابقه و لایحه حضرت شیخ الاسلام در پیغمبریه معادله نماید برای اینکه ایضاً بتقوم مهندسين عالم در حضور امین جبل الثمین مدافع خواهیم نمود که حضرت شیخ الاسلام مدظله العالی سابقاً معادل ده هزار تومان در تعمیر بسم مبرک پیغمبریه خرج کرده چون خودشان در طهران بودند بقیاب حل شد علی آقای امینی حاضرید دوستانه از طرف حضرت معظله رسیدگی و نظارت در آواخر آن تعمیر داشتند

حالا هم خودشان شخصاً مواظب تمام این بنی مهندس هستند بوجب مهرست و نشه معاصر مربوط سی هزار تومان دیگر مجاز دارد و کاپه آن را شخص معتمد اند

جناب حل محمد علی آقا امینی شخص باشرف و اعتبار است. باز میگویم چه ایشان و چه دیگران در تعمیر پیغمبریه اگر يك قران شرکت داشته يك صد تومان جریمه آن نزد نگارنده حاضر است. شایسته و نزدیک بقبول این بود که انلا رفیق ما بگوید در پیغمبریه گنجی از حواهر آلات بدست آوردند. اگر خیلی با تلاش ثروت مشاهده مندسه داش میسوزد فکری نباید. نظارت ملیه از دست رفته ما در مشاهده مشرف و کربلای معلی و شیره و حقوق دولتی ندین والیکری عراق عرب ماکه پامال شده اعاده بدهیم، لامعاله کاری بکنیم خدای تخواستہ دولت روس جواهرات ارض مقدس را مالک نشود. از مطلب دور نشوم

احمد کاشی میگوید وزیر آکرم که وجودش از عدل و نصانت سرشته مولانا را بتدبیر عملی از قزوین خارج کرده و در طهران دین الدوله را بدام اندخته و هم زیارت عنایات و حق جنایز را باما کن مندسه که آخرین وسیله نجات و فلاح امت است بدست جنازه کشی مختیر و مخنیف نموده و درک این سعادت را رقی معکوس نام نهاده. آقای من نو که دیگری را بحدود همت رابط مکتوبی با نقطه ضلالت کافر میگوئی این چه جرئت بیباکانه است که در ساحت. معبود مقدس زبان درازی میکنی از این نگذر که مسم منبع اولیا الله و ارواح مقدسه هنوز اسباب بازیچه و بوالهوسی من و تو نیست و اما تو خودت حضرت وربر آکرم را بکیاست و نصانت و وجودش را سرشته از مظلوم رستی اشرف کردی اینکه بندگان حضرت شیخ دام ظله العالی را بتدبیر روانه طهران فرمود چون ضمن مخمیه بود البته معتاد بیرهان است ولی در همان حکومت تادله شما را دو مرتبه دعه اولی بحکم دولت و تصویب اهل بلد بهمید نمودید و دو ماه در زاویه حضرت عبدالعظیم محضن بودی. در ثانی بجهه تعرض و تهمت یک نفر مسلمان سروپا برهنه از خانه بیرون کشید. بتوسط سعادت علی بیگ تفکدار و چند سوار بقاطر پالانی سوار کرده از شهر خارج فرموده تا چند ماه معلوم نبود در جگه هستید و در ایعدت مسلمانان از شرور ذاتی شما محفوظ بودند تا اینکه کلمه آخر نوبه را که در همین ادانی ناس مسول است مکتوباً در پیشگاه وربر آکرم اعاده کرده بوساطت همین شیخ الاسلام معاودت کردید

احمد کاشی میگوید مولانا شاهزاده دین الدوله را بحریک کرده خون بنی اعمامت را بچاک ریخت، علی حضرت دین الدوله را با آنچه قوت استعداد و احاطه تدبیر که ذات مقدس

ملوکانه حتی مخدرات سلطنت را چنان متهور سیاست و مجبور امر خود کرده بود که احدی را در امور کشوری و لشکری جز اطاعت امر شاهزاده معظم مجال رای دیگر نبود چنین مردی را حضرت شیخ الاسلام که بقول سابق احمد کاشی يك نیا و ردا بیش نداشت بدام انداخته و باعدام مجاهدین ملت فرمان میدهد

آقا احمد ما اگر در تاریخ وقایع مهمه دول اطلاعی داشتی البته از بندگان معظم الیه بسیار ممنون بودی برای اینکه در چنین همچنان عمومی و جنبش غیورانه ملت که میخواهند ظلم و استبداد چند هزار ساله را منهدم کرده بنصرت حریت و سعادت آزادی و برکات خوش بختی نایل شوند این واقعه طهران در اول هیاهو بقول شما که از بحریک حضرت شیخ الاسلام بوده برای وطن و شرایط حکومت مشروطه حلی معنصر زبان و اندک خسارت است

فرانسه و انگلیس و سایر دول اروپا را که نمیدانید در این خصوص چه چایا باختند افلا وضع دولت روسیه را ملاحظه نمائید که در طرف دو سال برای محضین همین سعادت امروزه ملت خوش بخت ایران دویت و شصت و سه هزار نفر از غیرتمندان روسیه با دولت مستبد خود در راه آزادی جان داده و شهید راه وطن گشته اند : آقا احمد که خیلی دلش یابنای وطن و شهیدی منت میسوزد چرا با حکومت محمدت میشود و در محضر شورای کبرای مقدس طهران مجاهدین قزوین و اعضای انجمن بلدی را که برای دوام و بقای مشورتخانه ملی جان و مال فدیہ میکنند تلگرافا بنساخت عقیده و مذهب ملهوه حذبده نسبت داده مخصوصاً توقیف انجمن بلدی را استدعا میکنند

اگر بقول خود مولانا را در ابتدا محریک میدانستید پس امروزه سیصد نفر از برادران آذربایجان ماکه متول شرارت و استبداد پسر ریم خان جلائیانی شده اند، کی محریک میباشد؟ آخر تو هم دستی از آسپن بدر آر و با حریت طلبان امت هم آواز باش لامعاله موقتاً بفرقه ملت را توقیف فرمای، جناب میرزا محمد حسین ادیب الذاکرین خراسانی را که از حوزه مبارکه حضرت مستطاب شریتمدار آقا سید جمال الدین واعظ طهرانی بقزوین آمده و مردم را با اتحاد و حفظ اساس حکومت مشروطه دعوت میباید. کافر مگویی از استیکافی که هنوز مشارالیه چو نخورده نجس مخوان

وا عدا زین قوم و اشریتا زین خلق کافران بنا گویند داد از این مسلهتی

احمد کاشی میگوید پسر مولانا املاک حاج محمد علی لالوی را بعنوان مجهول المالکی ضبط کرد بذریعه همین مشروحه از خود جناب حاج محمد علی لالوی منجم اسلامبول استدعا دارم که باعضای معترم روزنامه مقدس شرح دهند که آیاکی مشارالیه را فاسدالعقیده شهرت داده باین وسیله مضواست املاک حاج مزبور را ببلع نماید؟

تا اینکه حاج محمد علی مجبور شده املاک خود را بامانت ثابته و محافظه دینداری جناب اجل حاج میرزا یعقوب امینی برگذار کرده جناب معظله بجناب مستطاب آقا میرزا حسن دامت برکاته واگذار نموده، و هم از حضرات عالی و کلا معترم آذربایجان سؤال فرمایند. کدام خیره سر مستبد امر وکالت ملیه قزوین را بخاطره انداخته بود، و مخصوصاً حضرات معظم الیم برای اصلاح این فساد بجاوت حضرت ابوالوطن آقای سمدالدوله چه رنجها بردند تا يك خسارت بزرگی را از ملت مظلوم قزوین دفع فرمودند؟

(گوش سخن شو کجا دیده اعتبار کو)

سخن بطول انجامید میخواستیم واقعه دلخراشی که یازدهم شهر ربیع الثانی اتفاق افتاده و در اول مقاله اشاره شده بود شرح دهم اطاله کلام بنده را شرمندة اداره محترم نمود اجلا عرض میکنم: شخصی دوازده ساله را که همین سید ۰۰۰ متهم بذهاب مملوثة جدیده کرده در تاریخ مزبور مرده و شرح این داستان را که آقا سید ۰۰۰ بر مرده مزبور چه آورده و مخصوصاً کتبی را که به آیات قرآنی مزین بود (زبانم بریده باد نمیتوانم تهریر بیاورم) چها کرده و سایر واقعات را در هفته آینه عرض میبرسانم با اطاله و اطباب این مشروحه در خانه این مناله از عرض این حکایت نیز ناچاریم که احمد کاشی آن فضایل و استعداد مکاتب را ندانید که بتواند قلمی بردارد ولو مجعولا حکایتی بشکارد

لهذا برای تحریر نشریه مت و اظهار خصومت خود کیسیونی کرده بتوسط شخصی معلوم الحال غیر قابل الذکر و مناسبت جاذبه مودت و ساختن نام بهم یافته اند که بر مارک قسم قلم از بردن اسم و بیان حقیقت احوال او عار و صفعه از قبول این تنگ استنکار دارد و وقت انزرف است از اینکه شرح این اجال صرف شود

بلندی است در درج و انتشار این مشروحه که واقفاً حافظ ناموس یک خانواده جلیل است سرحتی عاجل خواهند فرمود

اقل الخلیع علی نقی المذنب

بوکی التجر امینی

استدعای جان نثارانه شیعیان بربری

(بخاکبای ملک فرسای اعلی حضرت قدر قدرت کسری)

(خصالت شاهنشاه مالک محروسه ایران صام لله عن الحرامان)

جان نثاران صاحب عزت و شوکت بودیم تا زمانیکه مرحوم امیر عبد الرحمن خان بر ما استیلا یافت . اول سلاح و براق از دستان گرفت و فلاح طارا خراب و با زمین یکسان کرد امیر زاده ها و خوانین طارا مفلول ساخت بعد ازین تعدی و مصائب حکمی دیگر صادر شد که معنی ندارد خوارج و روافض در ملک اسلام آزاد باشند . تا اول و تعدی دختران طارا بکنیزی اسیر و پسران طارا بفلامی دست گیر و تصاحب نمودند و حال ما بقی ماها هم از رفتار و قیاس معلوم خواهد بود بعد ازین سدمات و بلبیات اراده کردیم خود را بچاک پای ایران رسانیده ما برادران دینی خود نو آمان شویم که قرچی بعد از شدت حاصل نایم چون هرات و هراتیان جان نثاران را فاصله و حایل بود با مال نائل به گشتیم کارد با استخوان و ظلم به پایان رسید بمصدق التفریق بنسبت بکل حبش متشبت بانگلیس شدیم یعنی از خک بیرون آمده بخاکستر افتادیم همینقدر تفاوتیکه ازین کتک برای ما پیدا شد این بود که جان مان محفوظ و باسارت

ورقیت باقی ماندم، چون بالقوم نتوانستیم استدعا . ش حال خود را بدربار شاهنشاه اسلام برسانیم . ایا متوسل و ملتجی بمؤید الاسلام کردیدیم که بتوسط جبل المتین پیش شرح و حال ماضیه فای نلک زده را بشاهنشاه اسلام و اسلامیان بنه و امنایش برساند که خدا این واسطه را برای مات و دولت ایران مؤید و منصور بدارد که شاید تقضی بر حال جان نثاران فرماید

( برومند باد آف کبانی درخت )

( که در سایه او توان برد رخت )

جبل المتین

شرح حال این سوخته دلان بسیار است همین قدر از وکلای ملی و رجال دولت متمنی هستیم که توجه معنوی خویش را از هم مذمیان خود در اطراف و اکناف مرقع ندارند تا بموقع خود که بنوائیم حفظ حقوق مشروعه آنها را بذمه همت خود گیریم و انشاء الله آن روز نزدیک رسیده

اعلان

تاریخ سر جان ملک مصور با نقشه ایران طبع اعلی، کاغذ و خط خوب، در نمبر ۱۶ و کتوریا رود کریسن لین، ماز گام، بمبئی نزد آقا میرزا محمود صاحب تاجر کاشانی، و در اداره جبل المتین کلکته بقیمت دوازده روپیه بفروش میرسد، اجرت پست بر ذمه خریدار است بهر ملک از این دو مرکز میتوانند رجوع نمایند، نقشه ایران نیز بقیمت دو روپیه بفروش میرسد

ایضاً

یومیة جبل المتین بامسلك و مشرب پانزده ساله خود در طهران اشاعت می شود، هر کس در هندوستان طالب باشد در کلکته با اداره جبل المتین - و در ایران و سایر ممالک خارجه به طهران - خیابان لاله زار - اداره یومیة جبل المتین، رجوع نماید. قیمت سالانه در ایران سوای طهران چهل و پنج قران و در ممالک خارجه عموماً سی فرانک است

ضرورت

يك نفر عرب مکی یا مدنی که درس زبان عربی را مشرح بزبان فارسی بتواند داد مطلوب است، مشاھره ماهانه ازسی تا چهل روپیه، علاوه مصارف طعام و قیام خواهد یافت - هرکس طالب باشد لازم است که در خواست بنام (تهاکرام پرشاد سنگه) برابویت سکرتری راجه کالاکانگر ضلع پرتاب گده (اوده) بفرستد و در درخواست حالات نژاد و مقدار علم خود را بنکارد و سند لیاقت اگر داشته باشد نقل آن را با در خواست بفرستد (کمترین سید آقا شیرازی)

اثر خامه یکی از ارباب دانش

نخت باید حضرت قانون استبداد آرا بقدر احاطه و اطلاع خود بشاریم و بعد از آن حدیثات مشروطیت را بنکاریم، زیرا فرموده اند (تعرف الاشیاء باخذادها) قانون استبداد یعنی يك نفر شخص واحد خواه عالم و یا جاهل با داد و یا پیداگر مالک جان و مال و عرض و ناموس و شرف مردم بوده و خیر و شر عموم بسته برای و اراده او باشد، مثلا اگر يك نوکرش مال کسی را غصب نمود چون بسته اوست اعتنا ننماید، اگر یکی از بستگانش به ناموس کسی تجاوز نماید هکذا، اگر یکی از دوستانش کسی را بدون سبب کشت محض دوستی متعرض او نمیشود، در اخذ مالیات ترك مساوات گوید و در اجرای حکم الله طریق معارفت برید، رشوه بستاند و بخوراند نفوس محترمه را بدون جرم و جنایت بقتل رساند و اتباع شیطین را دور خود جمع نموده بخلاف حکم خدا و طریقه شرع محمد مصطفی (ص) بطور دلخواه دوری راند، منهم را بدون محاسبه و اثبات جرم و جنایت کیفر دهد و مجرم را بخواهنش نفس رهائی بخشد، لواط را بدون سزایه و مواجب در در خانه خود سکرت آورده بر مال و جان عموم تسلط

بخشد، بساط هرج و مرج را فراهم و تخم فاق را در میان مردم کاشته رسم و فاق را براندازد، چنانچه همه دیده ایم در ده از باکار گرفته تا کدخدایا و بستگان او هر ظامی خواسته باشند درباره رعایا بدون خوف و هراس اجرا مینمایند، میر بلوک و بستگانش کذا، حاکم ولایت همچنین هر چه بالا تر، میرود قانون ظلم تشدید و فساد اخلاق بیشتر دیده میشود.

مثلا صدر اعظم ملک و رعیت فروشی را سرمایه افتتاح خود بشمارد، حکام جور را با رشوه برعایا می کارد و با يك سخن واهی آنان بقتل و قمع طایفه فرمان میراند، هبجیک از رعایا را مابجاه و بنای و گریز گاهی نیست، فردی از افراد رعیت ساعتی از مال و جان و ناموس خود خاطر جمع و در امان نی، در محاکمات شرعی و عرفی جز رشوه کار نمیکند، اگر از دیوانیان کسی طالبکار باشد چنانچه انصاف نمود و یا از ترس آنکه مبادا در صورت احتیاج دستش سکوتاه شود بادای دین خود برداخت طلبکار را نصیق بر ایگاف دست آمد، و اگر کار بمحاکمه کشید با کالسکه و نوکر و حشم بدیوانخانه آمده و بالا دست حاکم نشسته یا میگردد طارش بهتان میزند و اگر سند سپرده است و میخواهد ندهد خواهد گفت بادای قرض خود مقتدر نیستم، و با کمال جلالت برخاسته و خواهد رفت، کلانتر در گرفتن مالیات مختار است و داروغه در افتراء و بهتان و شرکت با دزدان، مباشر مالیات بجای ده يك با کمال جور یکایک از مردم میگیرد و اشکر نویس بجای يك نفر سرباز ده نفر دهانی بچاره را از خانه آواره میسازد، سرتیب و سرهنگ و باور و سلطانان بیعلم که ابدأ از فن حرب آگاهی ندارند با جیره و مواجب سرباز دارای همه گونه ملک و عقار میگردند، و پیر هفتاد ساله در سربازی معاف نمیدارند و هرگز موجودی افواج که باید هزار و دویست نفر باشد بسیصد نفر میرسد تنگ سرباز با آتشگیره شور نانوا فرقی ندارد و سرباز بچاره باید با فعاکی تلبش نماید و نسل او منقطع شود، زیرا از اول عمر تا آخر اسمش در دفتر ثبت و هیچوقت در خانه خود نمیتواند ماند باوجود این نه دولت عسکر

دارد و نه رعیت روی راحق بیند، نه حقوق او در داخله محفوظ و نه در خارجه مصون و نه حدود ملک از تجاوز اعدا محروس هرکس میل دارد، امردان را بخدمت روز و شب خود اختیار مینماید و شرم از خدا و رسول نمیکند و بساط شرب را بر ملاء میکشاند و آن دیگری بتهمت شرب جزا دیده و جرمانه میدهد، در مخزن عسکری بجای مهمات خاکروب و بجای اسلحه جدید قنداق شکسته روپم ریخته، شخص با بصیرت و اطلاعی میگفت که دولت روس چون از باطن کار درست آگاه نبود و عندالفرصت قصد تجاوز داشت از راه دوستی با همراهی امیرالسلطان قزوینی را روانه نمود بنام ترتیب دستگاه عسکری ایران و امین السلطان بنا عواضه که با دولت روس در میان داشت جمیع مخازن عسکری را باو ارائه نمود و بر جمیع اسرار عسکری ایران او را آگاه کرد، این بود که او با کمال قوت قلب آن نقشه را ریخت که با سی هزار عسکر از خراسان گذشته و راه هند را مفتوح میسازد، چون غافل از قوای منوی ایران بود، ولی در دولت مشروطه کار برعکس آنست، اولاً دوایر دولت بهشت دایره و یا پیش و کم تقسیم و از برای هر دیره قانون نامه محکمی ترتیب و در سر هر اداره یک ناظر مسئول برقرار و این ناظران همگی از اداره خود مسئولند، ناظر مالیه نمیتواند بیت المال مسلمین را بتاراج بدهد و در اخذ مالیات افرط و تفریط نماید، ناظر حربیه نمیتواند حقه عسکر موهومی جیره و مواجب نگیرد و هم تمام عمر سرماز در سرمازی تلف نمیشود، بجای دولت هزار عسکر موهومی دو کرور عسکر واقعی مهیا میشود، دوایر ارکان حرب منتظم میگردد، صاحب منصب بیعلم را ابداً مستخدم نمیدارند و عموم صاحبان مناصب از خریطه و نقشه مملکت خود با بصیرت بلکه به نقشه خاک همسایه بطور البق واقف میگرددند، اصول مدافعه را از روی علم دانسته و بلوازمات او میپردازند و در خور جلوگیری تجاوز دیگران تدارک می بینند و هر يك از افراد عسکر مدافعه را فرض دمه خود میباشارند، نفوس مملکت تعداد میشود و با اصول قرعه عسکر گرفته شده و مدت عسکری از يك هر بدو

سال تزیل و عندالخاصه عموم ملت مهیای حرب میگردد، چنانچه بر عدد سپاه می افزاید در اسال نیز فزایش حاصل میشود، از احدی يك دینار بیش از بدی او گرفته نمیشود، و ملت حقه هرگونه تدارک ندانی و تجاوزی هستی خود را برایگان میدهد هیچيك از مأمورین جرئت تجاوز بحقوق تبعه وزیر دستن را ندارد، بدون اطلاع و کلامات هیچ امتیازی باجانب داده نمیشود و دوایر از خوف مسئولیت بتنبیه هر مطالبی صرف مقدرت مینمایند، حقوق ملت محفوظ مینماید ثروت ملک برایگان از میان نمیرود، حدود مملکت از حفاظت مهجور نمینماید، قدر خدمت تقدیر و کیفر حیانت در عاده هرکس بالسببه اجرا میگردد احکام قرآن و شریعت تمام بینمیران (س) اجرا میشود قاتل را پس از ثبوت اعدام و سارق را دست بریده زانی را کما انزل الله حد شرعی زده و هکذا از استعمال هر حرامی مابع و به ترویج هر حلالی سعی خواهند کردید، از رشوه و تعارف، هدیه و پیشکش، که باسامی مختلفه معنی و نتیجه واحده دارند و سبب عمده؟ خرابی ملک و ذلت ملت و اغتشاش دربار دولت اختلال امور جمهور و از دست رفتن مملکت و تضییع حقوق در داخل و خارج است و در ایران عالم گیر شده (از میان رفع، مأمورینها و مناصب بلیاقت و استحقاق داده می شود مال خزانه که اموال بیت المال مسامین است بیها و غارت میبرد و تخرابی مکه ارمات بابت مالیات میگیرد صرف حفظ حقوق خود آنها میشود، حدود و ثغور مملکت و بیضه اسلام مصون از تجاوز مینماید، حدود فیمابین حکام و رعیت تعیین و رفاه حال آن ودایع الله حاصل شده مملکت آباد میگردد، رعیت صاحب ثروت و سامان، املاک باپردار، گنجهای خدا آفرین که در زیر خاک وطن نهاده است با کمال امنیت استخراج میشود شرکت هاسیبه معتبر در تحت قانون صحیح تشکیل، طریق مرادوت تسهیل، یعنی راه آهن در تمام مملکت تعمیر و تمدید، متاع مملکت با سهولت بداخله و خارجه حمل میشود، در يك شهر مردم از گرسنگی جان نمیدهند و در شهر دیگر غله و حبوبات در انبارها نمی پوسد، ميوه گرمسیر در

سردسیر و میوه سردسیر درگرمسیرات مبذول میشود  
 رسم طغیان و فساد از مملکت بر می افتد امنیت  
 طرق و شوارع از داخل شهرها بیشتر میشود ،  
 رعایا از حدود خود تجاوز نمایند ، حکومت  
 از طبیعت خویش تغافل نمبوررد و جنگلها را  
 مملکت که يك شعبه بزرگ ثروت مملکت را باید تشکیل  
 کند محو و نابود میشود و هر کوه و دشتی که قابل  
 نشو و نمای اشجار جنگلی است از روی فن مشجر  
 هوای مملکت سالم و سبب تکثیر بارندگی میگردد  
 سید مای که از جهت تجارت های بزرگ مال متمدنه  
 است از دست رعایای بیخوره ایران بربان بیرون  
 نهرود ، اجانب ثروت ما را بیضا میتوانند برد اهالی از  
 بیکاری مبتلای بیعاری میکنند چرمی و بنکی و  
 وافوری میشوند ، صاحب تیولان مانند بزرگان روسیه  
 رعیت پادشاه را زرخیز خود فرض کردن میتوانند ،  
 در عوض بچاه تومان مواجب ملکی که پنجمزار تومان  
 واردات دارد بید غاصبانه هر بیحیث و بیغیرت بی دین  
 بی ناموس واگذار میشود ، اگر کسی از اسانیت  
 خبر و از دین بهره و از غیرت و حیثیت بوی شنیده  
 باشد هرگز نمیتواند دولت و ملک و مات را درین  
 خالت ذلت و خواری و تشکی دیده خود را راضی  
 ببقای مال بیت المال بنماید تا اینکه ازو بزور انتزاع نماید ،  
 ای ملت ایران ، ای برادران وطن عزیز  
 بدات هستی بخش سوگند که هر وقت حالت شما را با  
 اطوار ماضی شما مقایسه مینمایم غرق غرق خجالت و  
 شرمساری میگردم ، شما اخلاف اسلافی باشید که بعموم  
 اسای آدم سرمشق مدنیت و روش اسانیت می آموختید  
 و درس غیرت و حیثیت میدادید ، جلالت و برتری مقام  
 تان مافوق تصور و عزم و استقامت حلال هر مشکلی  
 بود ، هرگز تن بخواری نمیدادید و دستخوش دشمنان  
 نمی گشتید و بیوسته مهاجرت را بر مدافعت اختیار  
 میکردید از ستیز و آویز با دشمن خوف و هراس  
 نداشتید و از کشته شدن در راه ناموس و حفظ وطن  
 حذر نمی نمودید هیچوقت سلاح را از تن دور نمیکردید  
 ( ساجشور حققتد شیر اوزبان )

( که بستر بدی خوابگاه زنان )

از روزیکه دولت ایران مردان کاری را از کار

ادخالت و هر امرد منصب و رتبه داد قدر خدمت  
 محمول ماند و خاین غیر مسئول ، مردان ایران  
 تیغی بران خود را در هم شکسته و در گوشه گنای  
 نشستند ، رفتارده حوی مردمی آنازا وداع و طیمت  
 زنانه در وجود مان بروز نمود ، تا ایران و ایرانیان  
 را بدین روز سیاه نشانید ، بی هر آنکو از درخت  
 استبداد بهره و عمری نیکوتر ازین طلب نباید باید احقق  
 خواند و اباهش ستود ، ولی امروز که اصول استبداد  
 مبدل بمشروطیت و راه تقلبات مسدود و به احدی  
 محض خاطر خواهی و باز و کرشمه مناسب داده نمیشود  
 و دست غارتگران از خزانه بیت المال کوتاه گردیده  
 و در خور هر خدمت ماهیانه ماده خواهد شد و هیچ  
 وزیری را حد آن نخواهد بود که بخلاف قانون یک  
 باده نشین فتیری حکم راند و محقوق یک بوستانی  
 تجاوز نماید هر آنکو از ادای وظیفه خود تقاعد ورزد  
 ( در مذهب مردان جهان زن به ازوست )

هر کس بعد از این سر بهالش بیغیرتی نهاده و با کمال  
 بی ناموسی افیون بکشد باید او را مانند گرفتاران مرض  
 کوفت و آتشک از میان مردم خارج نمود و نامش را  
 از دفتر ملی محو و در جزو مردگانش محسوب داشت ، و  
 ابداً هستی او را محلاعتنا بشمرد ، بویزه در ارض اقدس  
 رضوی علی ساکنها الف من آلف النجبة والنساء که  
 این مرض پیش از همه جا کسب عمومیت نموده اکثر  
 مردان آن دیار از زنان بدعمل بی ناموس تر گشته اند  
 مثلاً اگر بفاحشه کسی بگوید ای فاحشه فوراً برافروخته  
 و تعرض خواهد کرد ، ولی اگر کسی با حلیله گرفتاران  
 تریاک سرافقت نماید ، هرگز حالت تعرض از براسیه  
 آنان بجا نیاید .

خدا گواه است هر وقت از مسافرتین راه حجاز  
 و یا زواراتیکه از ارض اقدس برگشته اند ، احوالات  
 وطن و اهل وطن عزیز را برش نموده ام  
 یاسخهای آنان جگرم را کباب نموده ، اهل خراسان  
 تا این درجه بیغیرت در مشهد ، درفش کفر  
 در تخرج آن ارض اقدس مسکن خارجیان! بی بیغیرتی  
 از این کارها بسیار کرده است و سببه را زناز  
 کرده است و کند ، باز صد هزار مرتبه شکر مردمان  
 غیور چند از اهل آذربایجان در آنجا سکنا گزیده .

و اخراجات معادن طلا و نقره و مس همه روزه در تزیاید است .

در سال ۱۹۰۳ حجه معادن طلا نود و چهار و حجه معادن نقره دویست و پست و از برای معادن زغال سنگ هزار و دویست و هشتاد و هشت و از برای معادن گوگرد صد و پست و چهار رخصتنامه داده شده، و در سنه مذکور سه هزار و صد و چهل و شش کیلو طلا، و بیجا و هشت هزار و پانصد کیلو نقره، و سی و سه میلیون کیلو مس، و سی و سه میلیون کیلو زغال سنگ و پست و دو میلیون کیلو گوگرد از معادن اخراج شده، و در او جا قهای سایر معادن شصت و چهار هزار و هشتصد و شصت نقر و در او جا قهای معادن زغال سنگ هشتاد و چهار هزار و هصد و چهل عمله مستخدم و مشغول کارند، و آنک زابون لذ معادن بسیار غنی است علی الخصوص معادن مس که اکثری باطلا مخلوط و مسش فوق العاده خوب است .

بلی اگر در ایران هم از آن تاریخ بجای اصول استبداد قانون مشروطیت و مساوات جاری میبود، باید ما هم مانند ژاپون راه کار را بدست آورده مردان کاری مملکت ما آواره نیاشند، و آنان که در مملکت اند و افوری و از کار افتاده نشده باشند، هیچ از خاطر نمیرود که چهل سال قبل در مشهد حاجی ملا غلام حسین ابوالعساکر در کوه معجوی معدن طلائی کشف و با حاجی قاسم طهرانی و حاجی میرزا حسین علی وزیر و آقا محمد حسن نقاش زرگر اشترک نموده و از امنای دولت تحصیل اذن اجازه نموده و مشغول کار شدند، بقدر يك سال بیشتر یا کمتر مشغول حفريات بودند، و چون در آنجاوار جنگل و معدن سنگ بست آنچه سنگ از معدن بیرون می آورند حمل شهر می نمودند و در دروازه پته - پرده و میآوردند در خانه آقا محمد حسین نقاش زرگر امتحان و نمونه میکردند بعد از يك سال که در معدن مزبور کار می نمودند و هم روزه حجه رسیدگی و امتحان سنگ حمل شهر میکردند، در آخرین روز از يك بار سنگ که حمل نموده بودند مبلغ معتانی طلا حاصل شد یکی از کارکنان در خارج یا از روی غرض و یا عدم فهم شهرت داد که يك سال است از معدن سنگ

و مایه نیک نامی آن شهر مقدس گردیده اند، با اختراع جریده و مکتب صرف مقدرت و تا يك درجه رفع بدنامی از آن بلده طیبه نموده اند

باری از مقصود دور نمانیم، و حجه آنکه مات نجیب ایران اندکی بمنافع قانون مشروطیت پی برند با ترجمه فصلی که روزنامه اقدام در یوم چهارشنبه ۱۶ شهر ربیع الثانیه ۱۳۲۵ در شماره ۴۶۶۵ در خصوص منافع معادن ژاپون که نخستین مایه تروت هر ملک است اکتفا میبایم .

ترجمه از روزنامه شریفه اقدام

از روزیکه ژاپونیان اصول مشروطیت را قبول و با بدایه تمدن و ترقی نهاده، از یکطرف بکس علوم و فنون، و از طرف دیگر بصنایع و تجارت وقف وجود نموده اند، بعد از تاریخ (۱۸۶۸) مسیحی که آن تاریخ برای ممت ژاپون دارای اهمیت مخصوص است، زیرا در آن روز آفتاب اقبال آنان از مشرق مساوات درخشیدن گرفت، و اصول مشروطیت را امپراطور با دانش و داد ژاپون در میان ملت خود ترویج داد، پس ملت ما کمال آزادی در شعب مختلفه صنایع علی الخصوص در فن استخراج معدن مظهر ترقیات حیرت افزا گردیدند، و این شعبه صنایع که از نظر دقت بیکسو مانده بود یعنی معدن کاری با همت و غیرت حکومت در سال ۱۸۸۰ تأسیس شد و حجه پیشرفت و ترقیات این فن مهتنا کمال اعتنا را نموده، ماکنه و ادوات و آلاتیکه متعلق باستخراج معادن است از اروپا جلب، هر چند در اول بسبب برخی اسباب این تشبثات حکومت عظیم ماند، ولی از برای اهالی سر مشق واقع گردیده بعد از آن با انتطاف نمرات نافع آن دست رس گردیدند، زیرا حکومت اندک اندک نموده آن فن را بملت ارائه نمود، و تخم این صنعت را کاشت، فی الحقیقه بعد از اندک مدتی ندریجاً شرکتهای خصوصی تشکیل، و باستخراج معادن پرداخته و در اندک زمان ترقی فوق العاده حاصل شد، و اینکه در سال ۱۹۰۵ نظامنامه سابق معادن را که در سال ۱۸۹۰ تنظیم شده بود تغییر دادند، دلیل بزرگی است حجه ترقیات آن صنعت و معادن در مملکت آنان، و در ژاپون نظارت معادنهم - پرده به ناظر زراعت است

آورده میگذارند و طلائی که حاصل میشود فباین خود قسمت مینمایند، و تا حال پیش از فلان قدر بار سنگ آورده و مبالغ کلی طلا بدست آورده و فباین خود قسمت نموده اند، و مبلغهای کذاف طلا از میان برده اند اینطاب به مفاد (کل سر جاوزالاشین شاع) شایع شده، و بعضی از معرضین بطهران خبر داده و هر آن ایام حاجی حسین خان شهاب الملك شاه سون که جرك استبداد ایاں غیر مفرط بود حکومت خراسان را داشت و بر به ادیت رعایا راضی نبود از دربار فرمان رفت که از هیئت شرکاء مطالبه چندین من و یا خروار طلا بکنند از دروازه رسیدگی نمودند معلوم شد تا حال چندین صد بار سنگ وارد شهر کرده اند، چون تیغ شان بسایرین برش نمیکرد پیاره حاجی ملا غلام حسین ابوالمعدن را دستگیر و حبس نمودند و در اطراف جاههای معدن قراول گذاشتند حاجی شهاب الملك تقیضات لازمه را بعمل آورد و بر او کشف شد که تازه برک معدن بر خورده، اند و اندک بهره که يك رجب مخارجشان را کفایت نمیکند حاصل نموده اند، در صدد اصلاح برآمده بیان واقع را بطهران خبر داد، و حاجی ملا غلام حسین را بی مزاحمت در تحت نظارت گذارد، ولی حاج مشارالیه بواهمه آنکه مبدا مخالفین در آتی سکیدی اندیشیده و فتنه بر انگیزند شبانه مستحفظین خود را متقاعد نموده و به بهانه رفتن خانه راه معدن را پیش گرفته خود را به معدن رسانیده قراولان را در خواب یافته داخل معدن و جمیع باروتیکه در مواقع متعدده محفوظ بود همگی را در محل بروز طلا وضع و احتیاطاً دو قتیله از آنجا تا بیرون کشیده در خارج بهر دو قتیله آتش زده خودش در دور مترصد ایستاد که ناگاه معدن بر هوا و رو بهم خوابید بعد از انجام عمل برکشته آمد به توقیف .

اگر در آن وقت قانون مشروطیت جاری بود با تک آزادی در معدن کار میکردند دولت و ملت هر دو منتفع میکردند، و تا حال هزارها معدن کار افتاده بود، هم ملک آباد میند و هم دولت منتفع میکردید، و این صنعت نوعی ترقی میکرد که ژاپون بر ما غیبه و نه اینکه ما غیبه همه چیز او را بخوریم

بلی سبب و برانی ایران عدم عدالت است و اصول مشروطیت داعی عدل و دادست پاینده باد مشروطیت و نیست و نبود باد استبداد

پس بر هیئت اجتماعیه ما فرض و واجب است که خفت عقل را بیست و نیم خرد دوده بین را هادی راه خود قرار داده، فریب خائنان دین و دوست و هیئت اجتماعیه را نخورده این نعمت عظمی را غنیمت شمرده، و در حفظ اوجان و مال را قدر نه نیم و وجود هرکس را که مانع پیشرفت این مشروع مقدس دیدند از میان بردارند، و باید همگی بدانند که اگر خدای ناخواسته صدمه باین اساس وارد آید ایران از دست خواهد رفت، سهل است کافه مسلمانان کره ارض ذلیل و خوار و بی اعتبار خواهند گردید، معشر مسلمین از بهود ذلیل تر خواهند شد صد حیف که عالم مقتضی پیش از این نیست و الا پیش بینی ما نموده و پیشین گوئیها میکردم، که در حفظ این مشروع چه خیرها حاصل خواهد شد، و در محو او چه بدبختیها چه اوجه کافه مسلمانان عموماً و جهة ایرانیان خصوصاً روی خواهد داد، امیدوارم این چند کلمه که بر سبیل یاد آوری عرض شده از برای هموطنان محترم طایه ایفاظ گردیده دست از طلب ندارند تا کامشان بر آید و بس (رضی)

### مکتوب از نجف اشرف

#### یا واقعه غیر مترقبه

چون وقت از آن اضیق است که تزیب مقدمت دهد - لذا احتمالاً حوادث واقعه را بطور داده بیان مینماید

از روزی که ملت ایران از خواب دراز چندین هزار ساله چشم گشودند و مطالبه حقوق خود را از هیئت مستبدانه نمودند، علمای ربانین که حافظ حقوق دولت و حامی شرف ملتند با ملت همدست شده، دقیقه از وظیفه مندرسه خود تکامل ننمودند، وقت مدافعت گذشته و دوره نفاق برچیده شد، حق را باید گفت و کشف حقیقت باید نمود، تقیه و ملاحظه کفر است زمانه مرآت اعمال و اغراض است

سرکار عکس استفتاء ملت در خصوص مجلس، و جواب حضرات حجج الاسلام آیات الله علی الامام آقای

آقا آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و آقای حاجی و آقا شیخ عبدالله مازندرانی ادام الله اطلاقهم را لابد دیده و فهمیده که چقدر بذل جهد نموده و در ترویج حق آنی خود داری فرمودند. جزاه الله عن الاسلام خیر الجزاء

ولی از اول سرکار آقای آقا سید محمد کاظم بزدی یا باطنا مخالف بوده یا اشتباه صفروی کرده بودند، هر چه بود همراهی با حجج نکرده ظاهراً ساکت نشستند هیئت علمیه و عموم اهل علم نیز چون بر سکوت ایشان اثری بار نیورد بحال خرد گذشته متعرض نشدند

ولی غافل از اینکه رشته و دستایس صدر خانی که در این مرتبه فرموده حضرت حجة الاسلام خراسانی خیال بلك فروشی ایران را دارد به محبت متصل و شاخه این شجره خبیثه می شود بر بعض اشخاص ابن ارضه مقدس ساه انگنده ، ما جنیدی قبل کشف حقایق یا در میان نهاد طبیعت کشف اسرار نمود

تلگرافی از طهران از قبل مطرودین ملت بعنوان جناب سید بدین مضمون (کفر و زندقه زیاد و ملاحده آشکار فاحشه و الحساد شایع ، عموم علماء الا دو نظر سید سه شب است بحضرت عبدالعظیم حرکت نمودند) امضای این تلگراف الجانی محمد امین - ابن محمد امین مجهول بر احدی معلوم نشد که کجاست معلوم میشد نکره محض است و جواب نباید داد، و باید صبر کرد تا خبر درست بدست آید.

بلی رشته طبیعی صبر بود چه از مخبر مجهول خبری صحیح بدست نیامد ،

اما امراض شخصیه طاع از این شد که سیاله امور از مجرای طبیعی حرکت نماید نتیجه این شد که (امین) آملی کرده و تصحیف را بتلگرافخانه منتسب نموده ، هر چه تلگرافی صحت اخذ حروف برقیه را شاهد آورد از او قبول شد ، یعنی بنابر قبول نبود، پس محمد امین محمد آملی شد و مجهول معلوم گشت ، مستور مکشوف شد ، جواب لازم آمد این صورت نوشته شد که به آملی زده شود

(جناب نقة الاسلام آملی - دامت برکاته از تواتر مکاتیب مشوشه اطراف در شیوع کفریات بواسطه مجلس اصطبهار مسلوب ، تلگراف مزید نشویش، البته دفع

کفریات زنادقه و برهم زدن این اجتماع میشوم که باعث ذل اعززه و ابراز فسقه و بر طرف شدن استدلال سلطنت اسلام است اهم فرائض، البته هم خود را با عموم علماء و متدینین در برداشتن علت شیوع الحساد و زندقه صرف نموده اطلاع دهید، تا بدل مجهود از هر جهت شود الجانی محمد کاظم طباطبائی

بعض از طلاب شنیدند آثار هیبت در مردم بروز کرد، از خوف مردم صورت را تغییر داده یعنی تصریحات اسم مجلس را برداشته همان مضمون را تلگراف کرده به تلویح قناعت نمودند

جواب دادن سید بمخالفین معروف گشت، هیئت علمیه و عموم طلاب از ترك و ناجیک در هیجان آمده، انحنها در محن مقدس منعقد گشت، آثار غضب از ناصیه ، طلاب ظاهر شد، در این میان هو تلگرافی مفصل بعنوان حجج الاسلام آقای حاجی و آقای آخوند و آقا شیخ عبدالله رسید ، مشتمل بر تمام خصوصیات واقعه وقایع معلوم گشت بیرون کردن ملت جناب حاجی شیخ فضل الله و تابعانش را همه فهمیدند، و علت این حیسات را همه دانستند که میرزا علی اصغر خان حائن است، و اندازه پولی که در این مورد خرج شده بود بدست آمد، این تلگراف از مات بود و خواستگار احضار شیخ فضل الله از حجج شده بودند

در این موقع هیجان طلاب شدید شد، خون در مجاری عروق سرعت برق در دوران آمد، حوصله ها تنگ شد نفسها در سینه ها گرفت که این عجله برای چه بود . و جواب مخبر مجهول فعلا چه لزوم داشت، که در این فتنه و آشوب اسباب خونریزی مسامین فراهم آید، و برادران ما بواسطه این دامن زدن آتش فتنه که از این تلگراف شد در زحمت افتند و شاید دماء مسامین هدر شود، چون این تلگراف غروب رسید و آقا سید کاظم هم بجهت خواندن جماعت در سخن بود ، هیئت طلاب با این هیجان مهیب روبرو ایشان حرکت نمودند، بعضی از پیر مردان و عقلا جلوگیری از طلاب نمودند، آنها را از طرف آقای آخوند ساکت نمودند ، و طاع از تهاجم شدند، سید نیز زود نماز را تمام کرده از سخن بیرون رفت، هیجان طلاب باقی و شدت حرارت طلاب تسکین نیافت ، اثرش این شد که سید بر جانب

خوبش خائف شد، و از توهین و ضرب طلاب ترسید از اشرار عرب استمداد خواست، شب سه شنبه ۲۷ جمادی الاولی را با جمعی از اعراب مساح وارد صحن گشت و باز را با این هیئت خوانده با کمال خوف بخانه رفت نگاه داریی اعزاب در اطراف خود عی الدوام کاری سخت بود، و از آن طرف طلاب هم بر شدت افزودند، خوف شدید شد، موت برای الهین دیده گشت خون از شدت و اهمه دور هروق فرسوده شد، ابواب چاره را از هر شش جهت مسدود دیدند

لذا مانجی بحکومت محایه شدند قاعنام نیز چند عسکر بجهت حفظ نظم بلد، و محافظات اوبا او همراه کرد شب چهار شنبه با بیب عسکر نماز خوانده شد، ولی مالی نداشت، این رشته را سری دراز بود حکومت هم از تنظیمات بلد ناچار

نتیجه این مقدمات این شد که صبح چهارشنبه جناب آقا سید کاظم با چند محافظ حرکت بکوفه نموده و فعلاً در کوفه مقیمند، تا بعد چه شود آقایان حجج الاسلام هم جواب تلگراف اهل طهران را بدین صورت دادند

### جواب تلگراف حجج اسلامیه

#### باهالی طهران

این تلگراف را آقایان حجج اسلام نجف اشرف دام ظلهم در خانه حضرت حجة الاسلام آقای حاجی میرزا حسین حاجی میرزا خلیل مدظله جمع و بعد از مشورت و توحید آراء در جواب مجلس محترم شورای ملی بخبره کردند ۲۵ جمادی الاولی

طهران مجلس محترم شورای ملی رفع الله قواعدها - تلگراف موخش بنجم واصل و از مخالفت مخالفین یا مجالس محترم ملی اسلامی خاطر قاطبه اهل اسلام ملول گشته، عموم اهل علم و کافه محصلین شریعت مظهره حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و سه را اعلام میدارد، که خداوند متعال گواه است که ما با بعد دار غرضی جز تقویت اسلام و حفظ دماء مسلمین و اصلاح امور عامه نداریم، علیهذا مجالس که تأسیس آن برای رفع ظلم و اعاده مظلوم و امر به معروف و نهی از منکر و تقویت ملت و دولت و

ترفیه حال رعیت و حفظ بیضه اسلام است قطعاً و عقلاً و شرعاً و عرفاً واجح بلکه واجب است و مخالف و معاند او مخالف شرع انور و مجادل با صاحب شریعت است

رجاء وایق که تا کنون انشاء الله تعالی کسی مخالفت نکرده و نخواهد کرد، و هرگاه برخلاف این مضمون کتباً و تلگرافاً نسبت با داده شود کذب محض است، احضار و اصلاح ندیدیم مهیات را اطلاع دهید الاحقر میرزا حسین نجل المرحوم میرزا خلیل محل مهر مبارک

الاحقر محمد کاظم الخراسانی محل مهر مبارک

الاحقر عبدالله المازندرانی محل مهر مبارک

### حبل المتین

این فتنه و فساد را بسر مرحوم آشتیانی که برای شکست و بستهای امین السلطان و برهم زدن مجلس مقدس بعراق عرب آمده بود برپا نموده درین مدت میدید توقف خود در عراق با سایر همدرستان عراقی از همه در مایوس و با حیللهای ناگفتنی رخنه دستگاه این سید بزرگوار کرده بنای الهام شبهه را گذاشت خطوط و تلگرافات عدیده از امین السلطان بحضور مبارک سید رسانید بدوا شاه را ملید سید قرار داد عمارات سلطنتی را سالانه از سید خواست کرایه نماید خندی قبل بر آشتیانی باسم خود مبنای در حوزه سید تقسیم نمود، و ضمناً آنچه باید از مشروطیت و مجلس مقدس شورای اسلامی، عرض کرد بدوا سید را ساکت و عاقبت مخالف ساختند تا درین موقع که آقا شیخ فضل الله و امثال ایشان به تحریک امین السلطان عدلاً مخالفت مجلس را آغاز و همان قسم که به تمام بلاد تلگرافات مغویانه نموده، در نجف شرف سید بزرگوار هم تلگراف نمود، و این فتنه و فساد را برپا کرد و اسباب توهین این شخص بزرگ را فراهم آورد

ما نظر با خلاص و ارادت و عقیده که بسید بزرگوار داریم میتوانم قسم یاد نمایم که انشاء الله شبهه بایشان نمودم، و هیچ بعید نیست که تلگراف طهران را هم از طرف سید جعل نموده باشند، ورنه گمان نداریم که این سید بزرگوار هرگز با جمهور علمای حقه مخالفت

نموده باشند، افواه است که حضرت آیه الله حاجی میرزا حسین حاجی میرزا خلیل مدظله برحق سخنان در حق سید فرموده اند، امبدواریم این افواه مقرون بصحت نباشد،

همین قدر باید دانست که تمام این فسادها از کلمه منحوسه (چه ضرر دارد) نشئت نمود خدای داناست که چه فتنه های دیگر این کلمه میشود برخیزد تا امین السلطان وزیر داخله و رئیس الوزرای ایران است آنی آسودگی برای اعضای شوری در پیشرفت کارهای صحیح نخواهد گذارد، تمام این مخالفها از بعد آمدن امین السلطان ایران پیدا شد

### تقریظ

میکادو نامه رساله است حاوی تمام واقعات جنگ روس و ژاپون در اقصای شرق، که مانند سایر جنگ نامه ها بقیاب شعر ریخته شده، روایاتش از روی مأخذ صحیح، و درایاتش با اصول تحقیق و تدقیق، میتوان گفت در جنگ نامه هایی که درین دوره فارسی نوشته شده بدین اسلوب و صحت و وضاحت کمتر نگاشته آمده است

میکادو نامه در عوالم شعری و ادبی نیز کمال امتیاز را دارد، باصطلاح عامیانه دریا را در کوزه گنج چانده حق الامکان از اغراقات شاهراه بری، با پیرایه شعر و شاعری از دایره حقیقت نگاری خارج نشده، تصایح دلپذیر و چگونگی محاربات عبرت بخش ملل غیور را اسباب جنبش و مایه عبرت است

میکادو نامه بوضع و شکل بسیار مرغوب از قالب طبع بیرون آمده، در سر هر صفحه آنچه بخت شده نگاشته، هر عنوان را با کمال سهولت میتوان یافت

میکادو نامه دارای بجه و هشت تصویر عکس حقیقی محاربات اقصای شرق است با تمثال امپراطور روس و ژاپون و امیرالبحرها و حیرالهای بزرگ روسی و راپونی که الحاق در جمع و ترتیب آنها منتهای دقت کار رفته است، همین قدر در تعریف میکادو نامه کافی است که در فارسی کتبی باین اسلوب کمتر طبع شده هر کس طالب باشد رجوع باداره حبل المنین نماید قیمت سه روپیه اجرت پست اضافه می شود

### طهران

#### وقایع نگار حبل المنین

طهران منقلب است و امنیت مرتفع، کم کم دارد نگارشات حبل المنین در قلوب اثر می بخشد، و خاص و عام ملت می شوند که آنچه را اعضای آن نامه

ملی ملت می شوند پس از زمان دراز دیگران درک مینمایند

حجی را عقیده این است که هواداران استبداد با منتهای سرعت و شتاب آتشهای فتنه را دامن مینزند، و فتنهای تازه برمی انگیزند، افسوس که آقا شیخ فضل الله و امثال ایشان سنگ روح مستبدین شده، و نام نامی آنها را بد نام می نمایند، در این چند روز بواسطه دادند و بولها گرفتند، و کارها کردند، و کارها خواهند کرد، تلگراف بعراق عرب شد از حجج اسلامیه جواب یأس شنیدند جناب آقا سید محمد کاظم بزودی تلگراف مهمی جواب شان را دادند، سایر حجج اسلامیه در تأیید مجلس و انقای مشروطیت تلگراف بسیار مؤیدانه نموده اند، تلگرافی رسیده که حضرت حجة الاسلام بندگان آقای حاجی مدظله العالی در حق سید بعضی فرمایشات فرموده اند، لذا مقلدین سید رفته رفته رجوع مدیگران می نمایند، این القاء شبهه را بسید از طهران نمودند یعنی آقا شیخ فضل الله و پسر آشتیانی و امثال ایشان که مقلدین امین السلطان یا فرمانگذار اویند

طاغیان شورای اسلامی بر حسب دستور العمل مستبدین، و اشارات بالبنکاه وزیر داخله تلگراف هم مشربان خود در جمیع بلاد ابراهم نموده سعی اند که يك انقلاب عظیمی در ایران انداخته، که شاید در سایه این انقلاب مخالفین مشروطیت قوت گرفته، دوباره بازار استبداد را رونق دهند، جمع این فتنه و فسادها را مهیا ناره رسیده ایران یعنی امین السلطان مبرماید، و خود را سعی است نزد وکلای ملی بی گناه جلوه دهد، ولی مشکل است، چه طشت از نام افتاده، و همه دانسته اند، عنقریب خواهید شنید که وکلای ملی يك دفعه اطمینان خود را از وی مرتفع خواهند داشت، امین السلطان سعی است چه آنچه دست حزب سعادالدوله را از مجلس برید بعضی از وکلای غیور چیز فهم گول نخور را هم هر قسم ممکن شود از مجلس دستشان را کوتاه نماید، مانند تقی زاده و آقا میرزا فضل علی آقا و . . . و . . . تا یکدفعه مجلس را انگشتر گردان خود تواند قرار داد

اطمینان مجلس از وزیر جنگ مرتفع و بکثرت آراء استعفا می او را خواسته اند، ولی هنوز استعفا نداده، و دیگری هم وزیر جنگ مقرر نشده است امین السلطان سعی است که وزارت جنگ پیکی از بستگان خودش داده شود، و غالب هم همین قسم خواهد شد، تا وقتیکه ضمیمه قانون اساسی نشود که وزرای مسئول از اعضای شوری انتخاب شوند و هم

يك ضامن تحت عمل ديگران باشد ابداً كارها از روى صحت پيشرفت نخواهد كرد

جناب مشيرالدوله چون خيلى حالا در نظرها من حيث القابليه جلوه نموده، ساعى اند از طهران خارجى نمايند و اگر كارها با اين اسلوب امروزه بماند يقيناً خارجى خواهند نمود

محاکمه آصف الدوله و سالار مفتحم قوچاق در وزارت عدليه پيش، چون قصورشان ثابت است مزای آنها يقينى است،

وزیر عدليه خود خوب ايستاده و كلایى مى نيكو مراقب اند وزير داخله مائل بسزای آنها نيست، شايد بهانه دست آورده كه وزير عدليه را هم برت و بلا كند اينستله هنوز موضوع بحث مجلس نشده كه شخص پادشاه و زراى مسئول مجلس را بدون اثبات قصور و اطلاع مجلس عزل ميتواند فرمود؟ يا نه اين نكته گویا جزء قانون اساسى بيايد تا وزرا باطمینان بتوانند در خدمات مرجوعه مشغول باشند

فتنه طاغیان شوری تا درجه در طهران كم شد، ولی اطمینان نمیتوان كرد، و مطمئن نمیتوان نشست، مضمون است كه این بلوى بساير بلاد هم سرايت خواهد نمود. ولی ابداً پيشرفت نخواهد كرد.

ملانمایان اگر عزت خود را میخواهند بايد ترك خودنمائی و امراض شخصى گویند، مردم خيلى چیزها را فهمیده، ازین و بعد گول نخواهند خورد، هم ضرر و فتنه خویش را شناخته و هم مشروع و غیر مشروع هر مسئله را دانسته اند

آقایان مطروديكه مات از شهرهای ديگر خارج نموده بطهران آمده اند، بنابر بروبالى كه مستبدین بانها داده بر وبال باز نموده بيداد میکنند خداوند هدايتشان فرمايد و اگر قابل هدايت نيستند خداوند شرشان از سر مات کوتاه فرمايد

مناقشه آقایان خود نما در خصوص قانون اساسى بحمدالله رفع گردید و این فصل جديد را اضافه نمودند ( این مجلس مقدس شورای ملی كه توجه و تأييد حضرت امام عصر عجل الله فرجه و بذل مرحمت اعلی حضرت شاهنشاه اسلام پناه خدا لله ملكه و مراقبت حجج اسلاميه كثر الله امثالهم و عامه ملت ايران تاسيس شده بايد در هيچ عصرى از اعصار مواد قانونيه آن مخالفت با قواعد مقدسه اسلام و قوانين موضوعه حضرت خيرالانام (ص) نداشته باشد معين است كه تشخيص مخالفت قوانين موضوعه

با قواعد اسلاميه بر عهده علماء اعلام دامت برکاتهم بوده است

لذا رسماً مقرر است در هر عصر از اعصار هيئتى كه كتر از پنج نفر نباشد از مجتهدین و فقهاء متدبیین كه مطلع از مقتضيات زمان هم باشند.

بدین طریق كه علماء اعلام و حجج اسلام مرجع شيعه اسامى بيست نفر از علماء كه داراى صفات مذكوره باشند معرفى بمجلس شورای ملی بنمايند، پنج نفر از آنها را يا بيستر بمقتضای عصر اعضاء مجلس شورای ملی بالاتفاق يا بحكم قرعه تعيين نموده، بسمت عضویت بشناسند تا مواديكه در مجلس عنوان ميشود. مدت مذاكره و غور روى نموده هر يك از آن مواد معنونه كه مخالفت با قواعد مقدسه اسلام داشته باشد، طرح ورد نمايند كه عنوان قانونيت پيدا نكند، و راي این هيئت علماء از این باب مطاع و متبع خواهد بود، و این ماده تا زمان ظهور حجة عصر عجل الله فرجه تغيير پذير نخواهد بود)

آنچه محقق شده درین انقلابات داخله دست خارجه نیز شريك است، و غالب بوايكه درین مواد خرج مى شود بتوسط بنگ روسى است آقا شيخ فضل الله را كه سگهار نكزيده كه مشت خود را با درفش بجزگ اندازد، پول است كه ایشان را به ترك مسلك حق راضاى ميكند، همین قسم اند ديگران اما دستى كه از طرف خارجه مشغول به بذل این اموال هنگفت است، دست مهمان تازه رسیده است، وونه تا این مجسمه صداقت و راستى در ايران نيامده بود ادا این گونه بساطها پهن نبود و این گونه انقلابات و اختلافات پيش نمى آمد، لطف اجاست

( لب فرو مالیده يعنى صائم )

بنا بظاهر خود را حامى مشروطيت و مؤيد مجلس هم جلوه ميدهد و برنخى ساده لوحان ما نیز قبول ميفرمايند يا پول نامها مي پذيراند ولی آفتاب بالا آمده و طشت از بام افتاده است

### نلكرافات

( ۱۶ جمادی الثانیه - ۲۷ جولای )

§ دسته فوج سلطان مراكو بر ساحل ( خراس ) در مقل ( رسولى ) وارد شده است

§ چهار چنگى ( بايروفون ) را كه مقابل با ( دربدنات ) ميكند در ( پورتسموته ) بدریا انداختند

§ مزدوران چينى مستخدم معادن ( رند ) عرضداشتى تقديم نموده و مطابق قرار نامه استدعاى خدمت نموده اند

§ کشتی موشک شکن (بومیقی) با کشتی (رودر) قرب شهر (یچی) مصادم شده هر دو را نقصان وارد آمده است ( ۱۷ جمادی الثانیه - ۲۸ جولائی )

§ وقایع نگار مخصوص ( انگلیش من ) می نویسد که تکمیل عهد نامه روس و انگلیس بدان سرعت که مظلون بود نمی شود، ولو دولت روس شرایط انگلیس را قبول کند باز هم يك ماه طول خواهد کشید تا دستخط شود آنوقت مجلس شورای ملی انگلستان تعطیل خواهد شد، اما حکومت در مواد این عهد نامه نمی خواهد در شوری موضوع بحث شود

§ دسته قشون محری انگلستان بسمت ( بورنیونه ) رهسپار شده، امیرالبحر دوم در مهمانی عصرانه اظهار داشته که نکته جنی و جمله روزهاجات بر محکمه بحری بجااست، و حال آنکه افسران محکمه بر دسته جات بحری فخر و مباهات دارند، که در تمام عالم بهتر ازین دسته بحری نیست و در حقیقت تمام افسران مطیع و تابع امیرالبحر هستند

§ مخبر (روتز) از (سیول) پارتخت کوریا خبر میدهد که (مارکویس اینو) را خیال این است که افواج (کوریا) را خارج کرده بجای آن قشون ژاپونی بدهد و شماره حالیه مقرر نماید (مارکویس اینو) به وقایع نگاران جراید اظهار داشته که عهد نامه خیال تصرف مطلقه ژاپون را بر (کوریا) متصرف نمود

§ تلگرافی از (نانجیر) رسیده که فوج ساطان سرا کو در حوالی (خس) حمله کرده، بسیاری را مقتول و توب زیاد متصرف شده اند

§ بموجب خبریکه از (پتر برگ) رسیده بین دولتین روس و ژاپون عهد نامه تجارتنی و طمی گیری نوشته شده امضا یافته است

( ۱۸ جمادی الثانیه - ۲۹ جولائی )  
§ چنان قبایس می شود که عهدنامه روس و ژاپون پنج فصل است، یکی اینست که در شرق اقصی مداخلت و دست اندازی بر مستعمرات و متصرفات یکدیگر نخواهند نمود، ثانیاً بر اقدامات ژاپون در (کوریا) روس هیچگونه تعرض نخواهد نمود

§ تلگرافی از (مسکو) رسیده که پرنس (بورگمیس) را که از (پکن) بر کاسکه برقی الی (مسکو) ۴۷ روز رسیده پذیرائی شایان نموده اند

§ در (بلغاست) دسته جات پلیس محافظ شهر که دست از خدمات خود کشیده بودند در میدان جلو عمارت فوجی با گرمی تمام مجلس نموده، تحریکات ذیل را پیش نمودند (۱) در شهریه روزانه آنها يك تنگ اضافه نموده شود (۲) بر مقدار وظیفه بعد از ایام

خدمتشان مزید گردد (۳) اختیار کامل آنها داده شود که شکایات خود را بیان نمایند

§ بابعالی بدوات یونان خطی نوشته که این حرکات و جسارت بسیار قبیح است که هرروز سپاهیان یونانی از سرحد خود گذشته نهب و غارت می نمایند، اگر بعد از این هم همین مسلك را اختیار نمایند به مرتکبین در (مقدونیا) سزای سخت داده خواهد شد

§ تقدیش از حال مستخدمین معادن (رند) ختم شد مزدوران بحالت سابقه در خدمات خود می آیند و مواجب بموجب قبل آنها داده می شود

§ (مستر مارلی) وزیرهند در مجلس شورای ملی انگلستان در جواب (مسنرولس) ظهار داشت که بر حسب مشوره با حکومت هند مسراسله به دولت چین فرستاده شده، بموجب ذیل (اولاً) فرستادن تریاک را در چین ده فیصد سالانه تخفیف داده و بهمین اندازه کاشتکاری تریاک را هم کم نموده باشند الی سال ۱۹۱۰ بشرطیکه دولت چین هم ایفا بوعده خود نماید

(ثانیاً) حکومت هند در اقامت يك فرانسر چینی در کاسکه عذری ندارد، در صورتیکه هیچوجه مداخلت در امور نکند،

(ثالثاً) گمرک بر تریاک خارجه افزوده شود، اندازه زراعت تریاک بشکاله و عدد صنایع آن را بعد از سنه ۱۹۰۷ تعیین خواهد نمود در صورتیکه دولت چین را در این امر عذری نباشد

§ (مستر رابرت لدلا) در شورای انگلستان اظهار داشت که خیلی اسب بود که (مستر مارلی) شخصاً در زمان تعطیل به هند رفته بچشم حالت هند را ملاحظه میکرد، یا اینکه وکیل از جانب خود فرستاده تحقیقات می نمود (مستر مارلی) در جواب گفت که تحریک (مستر لدلا) قرین صواب است اما جواب آن بغیر از انکار نیست ( ۱۹ جمادی الثانیه - ۳۰ جولائی )

§ جاسوسان (رسولی) مشهر کرده اند که اگر فوج سلطان قدم پیشتر نهد جان (سرهبری مکین) در معرض تلف خواهد بود، ولی این خبر قابل وثوق نیست

§ قشون ژاپون این وقت شهر (سیول) را کاملاً احاطه کرده اند

§ اعلیحضرت امپراطور روس بسمت (سوی مندی) رهسپار خواهند شد، پروگرام حرکت ایشان را مخفی داشته اند، مظلون است که با اعلیحضرت امپراطور آلمان ملاقات خواهند نمود

( ۲۰ جمادی الثانیه - ۳۱ جولائی )  
§ مجلس شورای ملی انگلستان بعد از مباحثه زیاد اعطای هدیه (۵۰۰۰۰) لیرا را به (لاردر کرامر) با

آرای ۲۰۴ بمقابله ۱۰۷ منظور شد

§ تلگرافی از (واشنگتن) رسیده که وزارت خارجه آمریکا با حکومت (مکسیکو) مخبره می نماید تا مزدوران ژاپنی را مانع از ورود بمحدود خاک آمریکا شود  
 § عمل است در (وانکوبار) بجهت ورود جمع کثیری از ژاپنیان در (هونولولو) اغتشاش پیدا شود  
 § (مسز ابرسن) بر تخمینه مصارف بحری گفتگو نمود که این قول غلط صریح است که مرمت جہازات جدیدی بخوبی نمی شود و عملاً قریب یک جہاز بسیار بزرگ ساخته خواهد شد در صورتیکه با تحریکات کانفرانس (هیگ) موافق آید

( ۲۱ جمادی الثانیه - اول آگست )

§ مجلس شورای ملی انگلستان بودجه قوای بحری را با ۲۶۳ رأی بمقابل ۸۲ امضا نمود -

§ تلگرافی از ناخبر رسیده که بر شهر (کاسابلکا) مراکو ۳ طایفه حمله نموده، بدین الزام که در آنجا تمیر لنگرگاه و خط ترموی می سازند، جہی از مزدوران را بقتل رسانیده -  
 § مکتوب پنج نفر فرانسوی و ۲ نفر ایتالیایی و یک اسپانیایی کتبه شده جہاز آلمانی بقیة السیف را در ناخبر رسانید  
 § کشتی موشک شکن فرانسه از (ناخبر) بسمت (کاسابلکا) رهسپار شد

§ در کانفرانس (هیگ) تمام مباحث فضول می شود و هیچ نتیجه و مرتب نیست، غور و تأمل بر آرای هر یک از مابندگان دول بیشتر بابت تأخیر در کارروائی می گردد  
 § روزنامه (استار) می نویسد که (لارڈ کرامر) در مصر و انگلستان در مأموریت های دوائی با کمال خوشنمائی ممتاز شده از این رو بر حکومت فرض است که از این قبیل مامورین را انعام دهد

§ چهار جہاز جنگی و دو کشتی موشک شکن در بلقاست رسیده  
 § قشون (کوریا) را ژاپون از خدماتشان خارج نموده از این رو شورش واقع شده ۴ نفر از اهالی (لوریا) مقتول و مجروح شدند

( ۲۲ جمادی الثانیه - ۲ آگست )

§ اعلیحضرت امپراطور روس و (مسیواسکی) امروز با اعلیحضرت امپراطور آلمان و (برس بولو) در (سونیومند) ملاقات خواهند نمود

§ اعلیحضرت پادشاه انگلستان بعیت (سر آرثر هارڈینگ) با پادشاه آستریا و (پیرن وون اجزتهال) بتاريخ ۵ آگست در (اشل) ملاقات خواهند نمود

§ چند روز است فیما بین دسته از فوج بلغاریا و یونان و فوج ترکی مقابله می شود

§ دولت فرانسه بجاس وزارت در (آنام) قابم نموده و پادشاه (آنام) در قصر خودش مقید است

§ جہاز جنگی دولت اسپانیا بسمت (مراکو) رهسپار شد  
 § در (بولون) دو جہاز جنگی (کوند - و دج ایله) برای دولت فرانسه ساخته می شود

§ حکومت مراکو (۲۰۰) سپاه در (کاسا بلنکا) خواهد فرستاد و در روابط با اهالی اروپا آگاهی داده اند که باشندگان زیاد برانگیخته خاطرند چه دولت فرانسه در انتظام گمرکات مداخلت شروع کرده است  
 ( لندن - ۲۵ جمادی الثانی - ۵ آگست )

مخبر ( روتر ) از طهران خبر میدهد - که دسته از قشون عثمانی باوچخانه وارد حدود ایران در سرحد ارومیه شده - قصبة ( موانه ) را خراب و هیچده نفر مرد و شصت نفر زن و طفل که غالب عیسوی مذهب بوده قتل رسانیده ، و برقراول خانة ایرانی که نزدیک بان جا بوده تاخت نموده -

بموجب خبر ثانوی (۶۰۰۰) نفر سواران ایرانی درین قضیه معیت نموده اند ما عیانها  
 ﴿ جبل المذین ﴾

دو ماه قبل در شماره ۴۳ سال ۱۴ این مسئله را نوشتیم گویا وکلای محترم غلظیات اخبار نگاری پنداشته حلو گیریه نه نموده اند تمام این رنگ ریزها را امین السلطان بدست یاری ارفع الدوله می نماید، قابلیت و ایقت امین السلطان خیلی از اینها مالا تراست ، آنی ملت و وکلای محترم ملی را آسوده نخواهد گذارد ، تا مقصود خود نائل آید ، و مقصود او غیر از اینهاست که برخی از وکلای محترم تصور کرده اند

( کاش گشوده نبود چشم من و گوش من )

( کافت جان من است غل من و هوش من )

﴿ تأسف ﴾

بموجب تلگرافی که از تبریز رسیده عمدةالتجار والاعیان حاجی زین العابدین آقا ناصر خلوی که از تجار محترم تبریز و دوستان صمیمی نگارنده بود و بالغ بر سیزده سال است در کلکته نیز اداره تجارتی باز نموده در تبریز بر حمت ازیدی پیوست

همین که تلگرافاً این خبر بکلکته رسید در حسنیة (گول کونئی) مجلس قانع شایانی گذارده شد همه تجار و اعیان شرکت در مجلس ختم نمودند، اداره تجارتیشان همان اسم و رسم اولیه بر قرار است ، اعضای اداره جبل المذین با جنابان حاجی محمد آقا و حاجی علی آقا فرزندان ارجمند آن مرحوم کمال همدردی را دارند و سلامتی ایشان و مفرت آن مرحوم را از خداوند خواستگاراند ، عقیده ما این است بدری که مانند این گونه فرزندان صالح بیادگار گذارده باید گفت زنده جاوید است رحمة الله علیه رحمة واسعة

جبل المتین کلکتہ

مدیکل کالج استریت نمبر ۴

Hauli Matin Office,  
4, Medical College St.,  
CALCUTTA.

وکلا دمه دار ابونجت مشرکین اند  
( بدل ابونہ اخبار پیشگی گرفته میشود )

قیمت اشتراک

سالانه - - شش ماهه

هند و برمه

۱۲ روپہ - - ۷ روپہ

ایران و افغانستان

۲۰ قران - - ۲۵ قران

عثمانی و مصر

۵ مجیدی - - ۳ مجیدی

اروپا و چین

۳۰ فرانک - - ۱۶ فرانک

نامه مقدسه

# المتین

سنة ۱۳۱۱

کلیه امور اداره با

مدیر کل مؤیدالاسلام است

هر دوشنبه طبع

و سه شنبه توزیع میشود

یوم دوشنبه

۲ رجب المرجب ۱۳۲۵ هجری

## فهرست مندجات

صفحه	عنوان
(۱)	لایحه یکی از فضلاء بصیر طهران
(۹)	بوشهر • مکتوب از طرف ناظر انجمن حدیثیہ اسلامبول
(۶)	مکتوب از اسلامبول
(۷)	مکتوب از نجف اشرف
(۹)	مکتوب یکی از علمای اذکار کرمان • ترجمه از روزنامه دبا
(۱۰)	ایضاً • خیالات منیر دوره استبداد بی پیر
(۱۲)	اعلان • ایضاً
(۱۳)	ضرورت • جواب تلگراف حجج اسلامیه نجف اشرف • از طرف اجتهاد عمیون عامیون
(۱۴)	نطق افتتاحی براس دو پولود
(۱۵)	اثر خانه یکی از جوانان غبور
(۱۹)	اسلامبول • لایحه سفیر بتوسط وزارت جلیه خارجه
(۲۱)	جبل المتین
(۲۲)	تلگرافات
(۲۳)	تلگرافات روز راجع بایران
(۲۴)	جبل المتین

## لایحه یکی از فضلاء بصیر طهران

شاید چندان ضرورت نباشد بنده واقعات محایه را بتوسم • چه یقین دارم اخبارات طهران با اداره میرسد و واقعات محایه را مستحضر و از رؤس مسائل مطلعید • فقط بنده ملاحظاتی خود را برسدیل اختصار عرض میدنمیم هزاران شکر که مجلس مقدس شورای ملی در کمال قوت است • و آن بان از هر طرف قوت روحانی و جسمانی باو میرسد • حجج اسلامیه نجف اشرف

زیاده بر آنچه متصور بود در تشدید مبانی اساسی مشروطیت و مجلس مقدس ملی سعی اند • و ملت نیز در ابقای این بنای سعادت اذمال و جان دریغ نه نموده • شخص پادشاه نیز از روی قطع با مجلس همراه است • ولی اطرافهای شاه و بعضی از چکیده های استبداد هر روز یک گونه اسباب جینی برای مجلس مینمایند و سعی اند که خاطر مبارک شاه را نیز مخدوش نموده • شاید بتوانند بین ملت و دولت اختلاف اندازند قضیه آقا شیخ فضل الله • و مجتهد تبریزی و امثال آن که دجال صفت خروج نموده بودند تا درجه رفع گردید • ولی صاحب حواشی مجلس اسباب جسامت مستبدین شد • هر کس در هر مسئله خلافی اقدام نموده ولو کامیاب شده سزایم نیافته است • اگر چه با فرطانند رحیم خان و شیخ فضل الله و اقبال الساطت و مجتهد تبریزی را دهان نوب گذارده بودند و سزایکه در خور جرم شان بود می یافتند مایه عبرت مخالفین شده دیگری سر بمعالفت نماند نمیکرد • و تا وقتیکه مجلس درستزای مخالفین پای نیفتند همین بساط انقلاب و اغتشاش در کار خواهد بود • و بدین سبب هیچ کار از مجلسیان پیش نخواهد رفت • چه میدانید شیخ فضل الله و اقبال السلطنه نوعی هم در ایران بساواست • و حوه استقراضی که ذخیره شده و امپریالهاییکه از روس گرفته می شود برای کدام روز باید بکار آید

بجان مؤیدالاسلام وضع دربار مازی همان است که بود • تغییر و تبدیل حکام جهان اسبابی اولیه برقرار وزارت چند روزه • و حکام میبایست مال دو سرگرا به نمایند • مجلسیان هم در کارها تساهل میفرمایند یعنی صاف و صریح بدون ریا ملاحظه از وزرا می کنند یکی از ظرفا میگفت در شورای ملی ایران گویا وکلا مسئول وزیرانند • نه وزرا مسئول وکلا • از آنچه باید

ما خذہ نمایند نمیکند ، و بعضی مسائل را موضوع بحث می فرمایند که ابتدا تکلیف مجلس بحث در آنها نیست امین السلطان خیلی کوشش دارد که بظاهر خود را در پیش وکلا خیر خواه قلم دهد ، ولی آخر طشتش از بام افتاد ، و وکلای بادانش غیور خیلی او را تعقیب نمودند ، گن کلی بود که خود استفا خواهد داد ، ولی حال که زمین را سخت دید از راه تسام و سکوت پیش آمده ، ولی چون مجتبیان بخیالات مکتوبه او پی برده گویا طاقت او را مجبور باستعفا نمایند

رندان فرمانفرما را زمین زدند و علتش دو امر شد ، یکی آنکه شاهزاده بول داری کله است و نقطه مقابل امین السلطان ، و برای وضع ایران قابل هر کار ، دیگر اینکه دولتیان ابداً مائل نیستند عدایه منظم شود ، مسلم است همینکه او را برت و بلا کردند تا دیگری مقرر شود در صورتی که بخواند کار بکند ، و بکار هم مسلط شود ، مدتی طول میکشد ، جهت هم چیست میدانید ، درباریان همه آصف الدوله و شجاع الدوله اند چه طور مائل میشوند عدالت سزا در حق آنها مجری دارد فرمانفرما بعد بود آنها را سزا دهد ، حالا باید دید که درباریان کی بدین آرزوها نائل آیند قبل از سزای آنها یا بعد از سزای ایشان

این امر لازم به تشریح نیست که امین السلطان و فرمانفرما از ابتدای سلطنت شاه مرحوم شد و تقیض بودند عمده سبب عزل اولیه امین السلطان فرمانفرما شد امین السلطان هم که بروی کار آمد او را از حکومت فارس تبعید عراق حرب نمود و چند سال مشغول خواندن زیارت عاشورا پیش ساخت عین الدوله او را بایران جلب کرد حالا باز امین السلطان بدور ساحتن او دربار مصمم گردیده ، فعلاً باسم حکومت تبریز و انتظام آذربایجان و سرحدات ، همین که تحت حکومت وزیررکاب وزیرداحله آمد داغ باطله بروی او نهاده دوباره از ایران بیرون می نمایند مجلس هم اهدا خود را دخیل این گوه امور نکرده گویا خارج از وظیفه خود تصور میکند

و حال آنکه جمیع خرابیهای دولت و ملت ازین ضد و تقیضها و عدم اطمینان عامه نوکر بوده و کلیه این باری بازها و تبدیل و تغییرها منافی با اصول مشروطیت است وجود بادانش جناب سعدالدوله را هم که اول فدائی و مجاهد اساس سعادت ایران شناخته شده ، و میتوان معمار این بنای عالی گفت در طهران منافی با مقاصد خود دانسته اند ، عنقریب این مجسمه دانش را هم بر اسم و رسم و بهانه باشد از حاکم بک وطن مقدس خارج خواهد نمود ، لطف این است با اینکه تمام اهل مجلس سبب کنارگیری و

استغفای جناب سعدالدوله را از مجلس میدانند ، و عموماً بجان فشان و خیر خواهی و دانش این بزرگ مرد واقف و مطاع اند ، احدی تا امروز جرئت نه نموده که سبب استغفای ایشان را بیان نماید یا رفع علت کند و تا وقتی که وکلای ملی جرات مشروع بیشه نه نمایند ، و بدون ملاحظه و خوف و هراس حق را نگویند هیچ کاری از پیششان چنانچه تا امروز نرفته نخواهد رفت مشیرالملک که امروز مصدر همه گونه خدمات می توانست بشود ، و در داخله خیلی بوجود او محتاج ترم تا خارجه ، و شایسته بود که یکی از وزارتخانه های عمده را باو سپرده تا از روی صحت منظم نماید باسم سفارت فوق العاده از ایران خارجش نمودند ، و عاقبتهم گفتند در پتربزرگ بان

مردم کم کم میروند قدر مشیرالدوله را بفهمند ، و بدانند که اگر از ابتدای امر همراهی مشیرالدوله نبود بدین درجه کار پیشرفت نمی نمود ، و نیکو دانسته که آنچه یافته اند در ایام صدارت او بوده ، و از وقتی که او اعتزل گزید سلب امنیت از ایران گردیده ، و آنی مجلس آسود نموده و یک کار پیشرفت نه نموده ، ازین رو عام و خاص یک توجهی مخصوص مشیر الدوله ظاهر میدارند ، مخربین اساس سعادت میترسند که این توجه کم کم بالاگیرد و دوباره این مرد غیور مشروطه خواه بروی کار آید لذا سعی اند که یک اسم و رسمی مشیرالدوله را هم داغ باطله گذارند در میان ملت بلکه بتوانند جرکین نمایند ، و رفته رفته پندارشان آنجاییکه حرب فی می اداخت ، اگر مهلت یابند یقیناً خواهند کرد

با این وضع خودتان فکرنمایید که دربار چه فرق با اول کرده؟ وزارتخانهها چه تفاوت نموده اند؟ و با این دستگاه دیوان امید پیشرفت مشروطیت در ایران می رود؟ کواکبینه وزرا؟ کو مجلس شورای آنها؟ کدام حرکت را از روی حال ادبشی کرده اند؟ کدام اقدام را از روی خیرخواهی نموده اند؟ کو صحت عمل، کو مسئولیت واقعی؟ کارها بزبان بازی واجوبه مهمله که بمجلس داده می شود پیشرفت نمیکند عمل هم در کار است آخر کو عمل؟ کو انتظام؟ کو خدمت کو سزا؟ کو جزا؟

ازین نکته خیلی مطالب را ملتفت خواهید شد یکسال باین طرف جرائد باقابی و عدم لیاقت نواب والا نایب السلطنه وزیر خزنگ که پسر شاه ، برادر شاه ، عموی شاه جد شاه آینده هم هست می نویسند احدی نکفت جرائد زیادتی می نمایند ، فضولی میکنند ، چرا این شاهزاده کنت بول خرج نمیکرد ، بهلو نداشت ، ریش نمی نمود ، زبان چرب و نرم و